

Applied Arts of Iran during the Ghaznavid Period based on the Book of Tarikh Beyhaghi

✉ Mahmoud Ashari

Assistant Professor, Department of Handicrafts, University of Science and Culture, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: Tarikh-i Beyhaghi occupies a distinguished position in Islamic historiography. Although earlier works such as Tarikh-i Sistan, Tarikh-i Bal'ami, and Zayn al-Akhbar had already established historical writing in Persian, Beyhaghi's contribution extends beyond the mere narration of events. His method integrates precise administrative details, vivid scene construction, and attention to the sociopolitical contexts underlying events. This narrative depth transforms the text into a multilayered source capable of yielding implicit cultural, artistic, and institutional data. As a first-hand account of the Ghaznavid era, the work is particularly valuable for reconstructing aspects of material culture and applied arts. The deterioration and loss of many artistic artifacts from this period have obscured their historical development, leaving significant gaps in archaeological and stylistic analyses. In such circumstances, written sources become essential complementary tools for historical reconstruction. Despite their potential, textual materials have received insufficient attention in contemporary studies of Iranian applied arts. A close reading of Beyhaghi's chronicle reveals scattered yet significant references to courtly objects, production practices, ceremonial settings, and aesthetic values. These references enable scholars to contextualize surviving artifacts and to hypothesize about lost traditions. Therefore, this study emphasizes the historiographical and interdisciplinary importance of Beyhaghi's History as a critical textual source for the cultural and artistic history of Islamic Iran in the Ghaznavid period.

Purposes & Questions: The primary objective of this study is to classify and develop an analytical model to clarify the history of Iranian applied arts during the Ghaznavid era based on Tarikh-i Beyhaghi. The research addresses two questions: (1) Under what categories can the applied arts of the Ghaznavid period be systematically presented? (2) What analytical model can determine their quantitative and qualitative status?

Methods: In terms of purpose, this research is fundamental and theoretical; methodologically, it adopts a qualitative approach. Data were collected through library and documentary research. As the study seeks to extract historical evidence concerning applied arts, it relies primarily on the textual analysis of Tarikh-i Beyhaghi as a complementary historical source. Data analysis was conducted using qualitative content analysis.

Findings & Results: In response to the first research question, although Beyhaghi



► Received:
2025-03-22
► Final revision:
2025-07-22
► Accepted:
2025-08-01
► Early online access:
2025-08-02
► Published:
2026-04-01

Email:
m.ashari@usc.ac.ir

Abstract

► Negareh
► Spring 2026 - NO 77



primarily focuses on official and governmental events in his book, the diversity of his observations provides substantial evidence regarding artistic production. References to gift registers, production centers, architectural ornamentation, property inventories, household goods, and war booty offer significant insights into the material culture of the Ghaznavid era and allow for the analysis of everyday life, aesthetic standards, and the social significance of artistic objects. Based on these textual indications, the applied arts of this period can be categorized into several groups: patterned garments, delicate and patterned textiles, functional and decorative vessels made of glass, metal, and pottery, gold and semi-precious jewelry, richly ornamented and multifunctional animal trappings, predominantly ceremonial or decorative weapons, royal accessories such as thrones and crowns with rare designs, and various luxurious furnishings and underlays. These categories not only demonstrate the diversity, sophistication, and aesthetic refinement of Ghaznavid applied arts, but also reflect functional, symbolic, and even political and social aspects of material culture, highlighting the interconnection between art and power. In response to the second research question, assessing the quantitative and qualitative dimensions of these productions requires systematic and detailed textual analysis. After identifying the documentary capacities of the source, the frequency of relevant terms, semantic classification, and contextual associations were examined according to a predetermined analytical framework. The systematic classification model employed in this study incorporates explicit and descriptive valuation of objects, conceptual analysis of the text, and the hypothesis of word proximity, providing a structured approach for interpreting textual data. Terms denoting excellence, rarity, durability, or aesthetic quality allow researchers to evaluate perceived value, while the use of descriptive compounds and adjectives—such as “best,” “hard,” “good,” “immeasurable,” and “rare”—provides insights into the quality, materials, production techniques, and visual characteristics of these objects. Furthermore, the juxtaposition of equivalent and non-equivalent terms enables the estimation of relative importance, rarity, and production scale of artistic items. Analysis of the semantic relationships among these terms offers a deeper understanding of the artistic and social priorities of the Ghaznavid period. By combining qualitative assessment with systematic categorization, this approach provides a comprehensive method for interpreting historical textual sources and reconstructing the material, symbolic, and social dimensions of Ghaznavid applied arts, serving as a foundation for interdisciplinary studies in the history of art and culture.

Keywords: Ghaznavids, Applied arts, Beyhaghi’s history.

Abstract

هنرهای کاربردی ایران در دوران غزنویان بر مبنای کتاب تاریخ بیهقی

* محمود اشعاری

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۲ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۲
بازنگری نهایی: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ زودآیند: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱

صفحه ۲۱۶ تا ۲۳۷

نوع مقاله: پژوهشی

DOI:10.22070/negarch.2024.19399.3406

چکیده

مقدمه: بیهقی با بهره‌گیری از دقت در توصیف مشاهدات و توجه به بستر وقایع تاریخی، تصویری دقیق و چندلایه از عصر غزنوی ارائه می‌کند که در خلال آن، جزئیات ارزشمندی از تولیدات هنرهای کاربردی قابل استخراج است. این ویژگی، اثر بیهقی را به منبعی دست‌اول و معتبر برای مطالعات تاریخ فرهنگ و هنر ایران اسلامی تبدیل کرده است. با توجه به زوال‌پذیری آثار مادی و کاستی‌های موجود در تحلیل‌های باستان‌شناختی، تاریخ بیهقی به‌مثابه روایتی مستند از دوره غزنوی، نقشی کلیدی در بازسازی فرهنگ مادی و شناخت هنرهای کاربردی آن ایفا می‌کند.

اهداف و سؤال‌ها: هدف پژوهش حاضر، دسته‌بندی و ارائه مدل تحلیلی برای روشن‌سازی تاریخ هنرهای کاربردی ایران در دوره غزنوی بر اساس تاریخ بیهقی است. سؤالات پژوهش عبارت‌اند از: ۱. هنرهای کاربردی دوره غزنوی در چه دسته‌بندی‌هایی قابل ارائه هستند؟ ۲. چه مدلی می‌تواند وضعیت کمی و کیفی این تولیدات را مشخص کند؟

روش‌ها: این پژوهش از نوع بنیادی - نظری و مبتنی بر رویکرد کیفی است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده و تحلیل متنی تاریخ بیهقی به‌عنوان منبع محوری پژوهش انجام‌گرفته است. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی صورت پذیرفته است.

یافته‌ها و نتایج: مشاهدات گسترده بیهقی با اشاره به فهرست هدایا، مراکز تولید، تزئینات معماری و غنائم جنگی، درک مهمی از فرهنگ مادی دوره غزنوی فراهم می‌آورد. هنرهای کاربردی این دوره شامل پوشاک و منسوجات نقش‌دار، ظروف شیشه‌ای، فلزی و سفالی، زیورآلات، یراق‌آلات تزئینی، سلاح‌های تشریفاتی و اثاثیه گران‌بها است. تحلیل کمی و کیفی این آثار از طریق بررسی واژگان، طبقه‌بندی معنایی و واکاوی روابط متنی انجام شد. کاربرد صفت‌ها و ترکیبات توصیفی در متن، امکان ارزیابی کیفیت، مواد سازنده و ویژگی‌های بصری آثار را فراهم می‌آورد و تلفیق ارزیابی کیفی با طبقه‌بندی نظام‌مند، به بازسازی ابعاد مادی، نمادین و اجتماعی هنرهای کاربردی دوره غزنوی انجامیده و زمینه‌ای برای توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه تاریخ هنر ایران فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: غزنویان، هنرهای کاربردی، تاریخ بیهقی.





مقدمه

تاریک هنرهای کاربردی و موضوعات پیرامونی وابسته به آن و شناسنامه‌دار کردن آثار تولیدی با تأکید بر منابع بومی قابل استناد است.

روش پژوهش

این پژوهش از حیث هدف، بنیادی - نظری و از نظر روش، کیفی است. همچنین اطلاعات آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده است. از آنجاکه پژوهش حاضر به دنبال استخراج اطلاعات تاریخی مرتبط با هنرهای کاربردی است، تمرکز اصلی بر متن تاریخ بیهقی به عنوان منبع مکمل قرار گرفته است. در این راستا، شناسایی ظرفیت‌های تاریخی کتاب مذکور، استخراج نکات پیرامونی، بسامد گیری واژگان مرتبط، طبقه‌بندی و تحلیل و تفسیر داده‌ها به روش تحلیل محتوا در فرایند استحصال اطلاعات تاریخی مرتبط با تولیدات هنری مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در این پژوهش، با استفاده از نرم‌افزارهایی همچون جغرافیای جهان اسلام، نوره السیره، تاریخ ایران اسلامی، واژگان مرتبط استخراج و تحلیل شده‌اند. شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش مبتنی بر رویکرد کیفی است.

پیشینه پژوهش

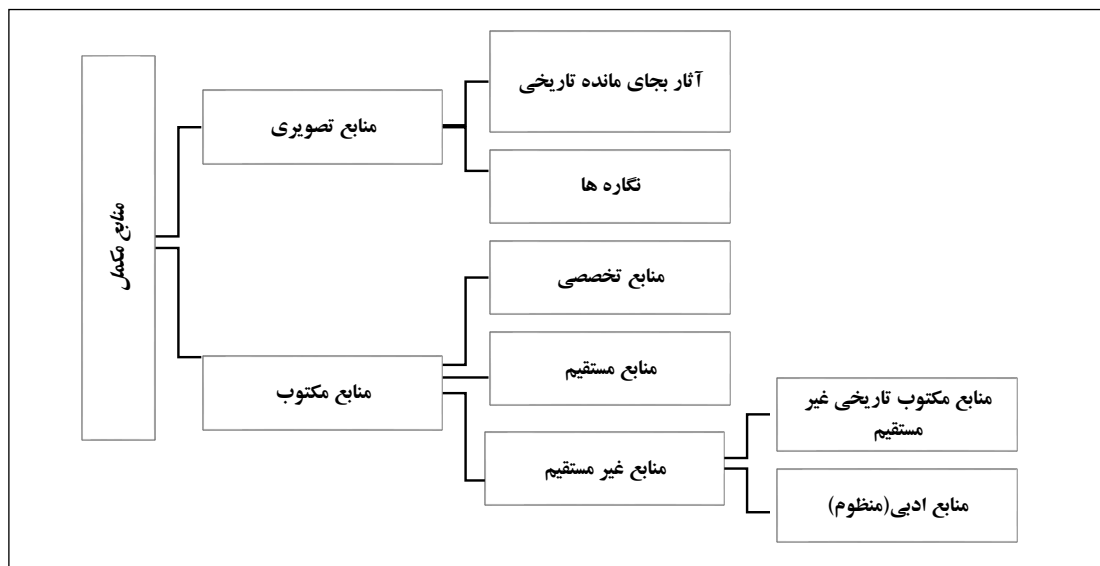
ناصری (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأملی بر گستره معنا و مصادیق «جامه» در تاریخ بیهقی» که در نشریه نامه هنرهای تجسمی و کاربردی منتشر شده، چستی معنا و مصادیق واژه «جامه» را مورد بررسی قرار داده است و در بخشی از مقاله مشخص ساخته که برخلاف معنای محدود «جامه» در دوران معاصر ما، نزد فارسی‌زبانان قرون چهارم و پنجم هجری قمری معنا و کاربردهای وسیع‌تری داشته و بر مصادیق متنوع‌تری از جمله منسوجات، فرش و پوشاک دلالت می‌کرده است. معظمی گودرزی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «آداب‌ورسوم و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی در تاریخ بیهقی» که در نشریه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی به چاپ رسیده، به بررسی نمونه‌هایی از آداب‌ورسوم متداول و مرسوم زندگی مردم در جامعه ایرانیان قرن پنجم هجری پرداخته است. در این پژوهش، آیین‌ها و رسوم اجتماعی‌ای تحلیل شده‌اند که ابوالفضل بیهقی در خلال تاریخ بیهقی به آن‌ها اشاره کرده است. نویسنده در پایان، با طرح این فرضیه که تصور بیهقی از اجتماع فراتر از طبقات متعارف جامعه عصر خویش بوده، مقاله را به پایان

کتاب تاریخ بیهقی از حیث تاریخ‌نگاری، جایگاهی ممتاز در میان متون تاریخی فارسی دارد. هرچند پیش از این اثر، منابعی چون تاریخ سیستان، تاریخ بلعمی و تاریخ گردیزی به رشته تحریر درآمده بود، اهمیت کتاب تاریخ بیهقی صرفاً در نقل رویدادها، حوادث و احوال ملوک نبوده، بلکه توجه دقیق به جزئیات وقایع، تصویرسازی صحنه‌های پیرامونی و نیم‌نگاهی به بسترهای اجتماعی و فرهنگی رخدادها، آن را به محلی ارزشمند برای استخراج اطلاعات پیرامونی و زمینه‌ای بدل ساخته است. این منبع ارزشمند، با توجه به خصوصیات مستتر در آن، در شمار منابع دست‌اول و معتبر برای پژوهش در تاریخ فرهنگ و هنر ایران اسلامی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، به حکم زوال‌پذیر بودن هنرهای کاربردی، همواره چشم‌انداز تاریخی و سیر تحول آن نزد محققین مبهم بوده و در مسیر جست‌وجوی بسترهای تاریخی گونه‌ها و شیوه‌های تولیدات مرتبط، پرسش‌های بسیاری مطرح می‌گردد که مطالعات تاریخی و باستان‌شناختی مرتبط را با دشواری‌هایی مواجه ساخته است.

در چنین شرایطی، پژوهشگر تاریخ می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های موازی و مکمل، بازسازی تاریخی پیکره مطالعاتی خود را ادامه دهد. از جمله مهم‌ترین ابزار مورداستفاده‌ای که در پژوهش‌های معاصر چندان توجه‌ای به آن نشده منابع مکتوب است. از این رو، می‌توان از مقادیر متنوعی از متون به‌جای مانده در منابع تاریخی گذشته، بخشی از اطلاعات تخصصی و پیرامونی هنرهای کاربردی ایران را روشن ساخت. قلمرو زمانی استنادات تاریخی این پژوهش، دوره غزنویان است. دسته‌بندی و ایجاد الگویی برای تبیین تاریخ هنرهای کاربردی ایران در عصر غزنوی، بر اساس کتاب تاریخ بیهقی از اهداف این پژوهش است. سؤالات پژوهش نیز عبارت‌اند از

۱. هنرهای کاربردی دوران غزنوی در چه دسته‌بندی قابل‌ارائه است؟
۲. با استفاده از چه الگویی می‌توان به جایگاه کمی و کیفی هنرهای کاربردی دوران غزنوی واقف گردید؟

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن‌روست که به دلیل نبود اطلاعات کافی و منسجم درباره سیر تحول تاریخی هنرهای کاربردی عصر غزنوی و با توجه به ویژگی‌های خاص تاریخ بیهقی، می‌توان مفاهیم ارزشمندی را در جهت تبیین این سیر تحول استخراج کرد. ضرورت این‌گونه پژوهش‌ها در راستای ایجاد منابع تاریخی، استخراج نقاط



نمودار ۱. دسته‌بندی منابع مکمل
Diagram 1. Classification of Supplementary Sources

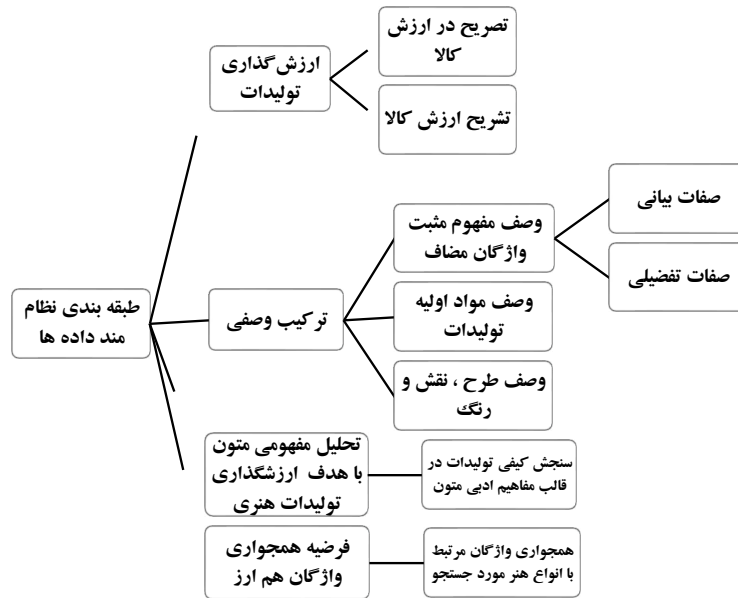
دوره تولیدات موردنظر ایجاد و دارای قابلیت‌های لازم جهت استخراج اطلاعات باشند. این منابع در دو حوزه منابع تصویری و منابع مکتوب دسته‌بندی می‌گردند (نمودار ۱).

در منابع غیرمستقیم، برخلاف منابع تخصصی و مستقیم، اطلاعات مدونی درباره هنرهای کاربردی در دسترس نیست، اما با بررسی واژگان به‌کاررفته در متون و تحلیل کیفی آن‌ها، می‌توان به اطلاعات قابل‌تأملی درباره وضعیت هنرهای دوره موردنظر دست یافت. منابع غیرمستقیم در دو قالب متون تاریخی و منابع ادبی منظوم قابل دسته‌بندی و بررسی است. در دسته‌بندی این منابع، با توجه به استفاده مورخان از واژگان مرتبط با هنرهای رایج زمانه، بسیاری از اصطلاحات کلیدی در روشنگری وضعیت تولیدات در حوزه هنرهای کاربردی و ابعاد پیرامونی آن اهمیت خواهد داشت. در این روش، پس از شناسایی دقیق کتب تاریخی با توجه به اعتبار، قابلیت‌های اطلاعاتی و فراوانی کیفی و کمی، بسامد واژگان تخصصی موردنظر؛ پژوهشگر باید ابتدا به استخراج و طبقه‌بندی واژگان مرتبط پرداخته و سپس به تحلیل آن واژگان بر اساس الگویی از پیش تعیین‌شده بپردازد. شناسایی متونی که از نظر کمی و کیفی، واژگان مرتبط با هنرهای موردنظر را در بر دارند از مراحل مهم این روش است. در تحلیل کیفی متون، به‌طور معمول از طریق تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی، فرایندهای طبقه‌بندی

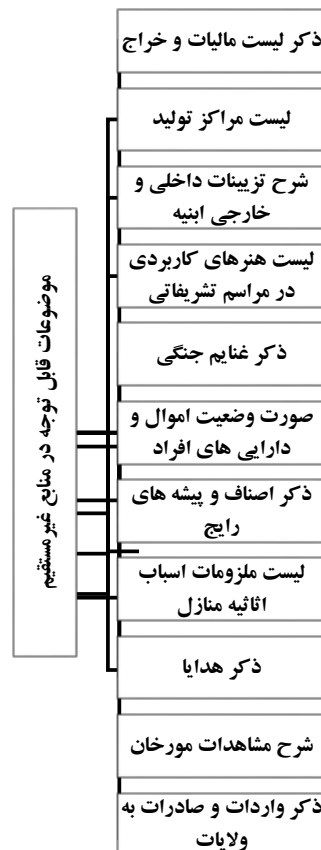
رسانده است. سبزه‌علی‌پور و عاشوری شهرستانی (۱۳۹۷) نیز در مقاله «پوشاک، فرهنگ و کارکردهای آن در تاریخ بیهقی» که در نشریه مطالعات ایرانی منتشرشده، نقش و کارکردهای پوشاک در عصر غزنوی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پوشاک در این دوره به‌مانند ابزاری اثربخش، برای بیان اعتقادات افراد بوده و از این منظر در کانون توجه جامعه قرار داشته است. همچنین کارکردهای اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی نیز در این بین مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد. ساسان پور (۱۳۹۳) در مقاله «کاربری‌های باغ‌های عصر غزنوی با تکیه بر تاریخ بیهقی» که در نشریه پژوهشنامه تاریخ منتشرشده، به این موضوع پرداخته که آیا باغ‌های حکومتی این دوره تنها برای نمایش جلال و شکوه سلاطین ساخته‌شده یا از کاربری‌های دیگری نیز برخوردار بوده‌اند؟ دستاوردهای پژوهش در دو بخش قابل‌مشاهده است: در بخش نخست، ویژگی‌های باغ‌های شهرهای غزنین، هرات، بلخ و نیشابور بررسی‌شده و در بخش دوم، کاربری‌های این باغ‌ها از جنبه‌های سیاسی، نظامی، اداری، مذهبی، ورزشی و تفریحی در دوره موردنظر تحلیل گردیده است.

منابع مکمل و تحلیل متون
منابع مکمل به منابعی اطلاق می‌شود که هم‌زمان با

۱. در دسته‌بندی دیگری از منابع غیر مستقیم، منابع ادبی منظوم نیز به‌یمن استفاده واژگان مربوط به تولیدات هنری توسط شاعران حائز اهمیت است. بسیاری از متون ادبی منظوم، افزون بر دارا بودن خصوصیات ذاتی ادبی خویش و پیام‌های شعری وابسته به آن، به صورت مستقیم و غیرمستقیم نیز حاوی داده‌های تاریخی‌اند.



نمودار ۲. طبقه بندی نظام مند داده ها
Diagram 2. Systematic Classification of Data

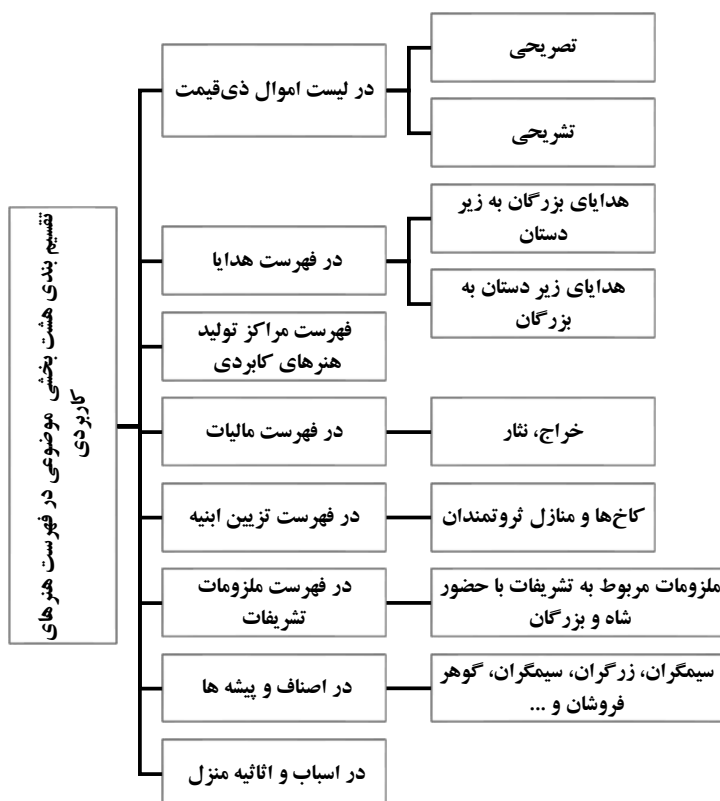


نمودار ۳. موضوعات قابل توجه در متون غیرمستقیم
Diagram 3. Notable Themes in Indirect Texts

نظام مند، کدبندی و تمسازي یا طراحی الگوهای شناخته شده انجام می شود. در این بخش محتوای استخراج شده از طریق فرایند طبقه بندی نظام مند بررسی می شود. روش ارزش گذاری تولیدات، ترکیب وصفی، تحلیل مفهومی متون با هدف میزان ارزشمندی تولیدات هنری و فرضیه همجواری واژگان در این طبقه بندی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده های متنی نقش مؤثری ایجاد می کند. معمولاً در این بخش، واژه های مورد نظر، در قالب جملاتی که شامل محتوای وضعیت مالیات حکام و ولایات، فهرست اموال افراد، شرح تزیینات داخلی و خارجی مکان ها، اسباب و اثاثیه منازل، غنیمت های جنگی به دست آمده، فهرست اموال، هدایا، هنرهای کاربردی در مراسم تشریفاتی و موارد دیگر است، قابل بررسی خواهد بود (نمودار ۲ و ۳).

در این پژوهش بر اساس محتوای یاد شده در پاراگراف پیشین، برای سامان دادن به استخراج اطلاعات در قالب چارچوبی مشخص، پس از احصای واژگان مرتبط با هنرهای کاربردی، در قالب تقسیم بندی هشت بخشی موضوعی در فهرست هنرهای کاربردی طبقه بندی و در نهایت اطلاعات مرتبط با هر یک از این قالب هشت گانه تقسیم بندی خواهد شد. افزون بر طبقه بندی مذکور، به منظور سنجش کمی و کیفی تولیدات با روش طبقه بندی نظام مند داده ها، پژوهش

۱. برای اطلاع بیشتر از دسته بندی منابع مکمل و ظرفیت های هر یک از این دسته بندی به مقاله «تاریخ نگاری هنرهای کاربردی ایران بر اساس منابع مکمل» رجوع شود (اشعاری، ۱۴۰۴).



نمودار ۴. تقسیم‌بندی هشت‌بخشی در فهرست هنرهای کاربردی
Diagram 4. Eightfold Classification of Applied Arts

ادامه و جمع‌بندی صورت می‌گیرد (نمودار ۴).

۱. هنرهای کاربردی در فهرست اموال ذی‌قیمت:

بخشی از آثار مرتبط با تولیدات از جنس هنرهای کاربردی را می‌توان در فهرست اموال گران‌قیمتی مشاهده کرد که به‌طور معمول سیاهه‌ای از آن را در لابه‌لای متون یادشده می‌توان تشخیص داد. این اموال جزئی از دارایی‌های حاکمان، امرا و درباریان در نظر گرفته می‌شد. در فهرست اموال حاکمان، امرا و درباریان، گزارش‌هایی قابل‌مشاهده است که بر تنوع تولیدات ذی‌قیمت در حوزه هنرهای کاربردی دلالت دارد. به‌طور معمول، در این‌گونه متون به همراه توصیف اموال و تولیدات، با استفاده از برخی جملات و ترکیبات وصفی با در نظر گرفتن آرایه مبالغه در کلام، بر ذی‌قیمت بودن آن تأکید می‌شود. با تحلیل متون تاریخ بیهقی می‌توان گفت که با دو روش تشریحی و تصریحی، ارزش‌گذاری تولیدات قابل‌رصد است. در روش تصریحی مانند عبارت سی بار هزار هزار درم و ... می‌توان به قیمت‌گذاری کمابیش دقیق آن پی برد

و در روش تشریحی نویسنده با استفاده از عباراتی مانند آن کس یاد نداشت و ... - ارزشمند و نفیس بودن کالای موردنظر را تلویحاً وصف می‌کند (نمودار ۵). به‌طور مثال، در فهرست اموال هارون‌الرشید آشکارا به اموالی اشاره شده که ارزش آن سی هزار هزار درم معادل سی میلیون درم ذکر گردیده است. این اموال علاوه بر اجناس قیمتی همچون طلا و نقره شامل فرش، جامه و جواهرات هم می‌شده است: «چنان خواندم در اخبار خلفا که یکی از دبیران می‌گوید که بوالوزیر دیوان صدقات و نفقات به من داد، ... در ورقی دیدم نبشته: به فرمان امیرالمؤمنین نزدیک امیر ابوالفضل جعفر بن یحیی البرمکی، برده آمد از زر چندین و از فرش چندین و کسوت^۱ و اصناف^۲ نعمت چندین وز جواهر چندین و مبلغش سی بار هزار هزار درم، ... در میانه این تاریخ چنین سخن‌ها از برای آن آرم تا خفتگان و به دنیا فریفته شدگان بیدار شوند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۲۴۱). همچنین، در نقل‌قولی دیگر از کتاب تاریخ بیهقی به اموال حاکم خراسان اشاره می‌شود که از فرش تا سایر تولیدات هنری از جمله

۱. رخت، لباس، جامه و پوشاک.
(دهخدا، ۱۳۷۲).
۲. قسم‌ها، انواع، گونه‌ها و گروه‌ها

باغ شادیاخ کشید و به سعادت فرود آمد دهم شعبان این سال؛ و بناهای شادیاخ را به فرش‌های گوناگون بیاراسته بودند همه از آن وزیر حسنک، از آن فرش‌ها که حسنک ساخته بود از جهت آن بناها که مانند آن کس یاد نداشت و کسانی که آن را دیده بودند، در اینجا نبشتم تا مرا گواهی دهند». تأکید نویسنده بر آن‌که این نوع از زیراندازها از نوعی بوده که تا آن زمان کسی از آن آگاهی نداشته، هرچند با در نظر گرفتن آرایه مبالغه در کلام، در وصفی که انجام پذیرفته اوج کیفی این تولیدات به ذهن متبادر می‌گردد.

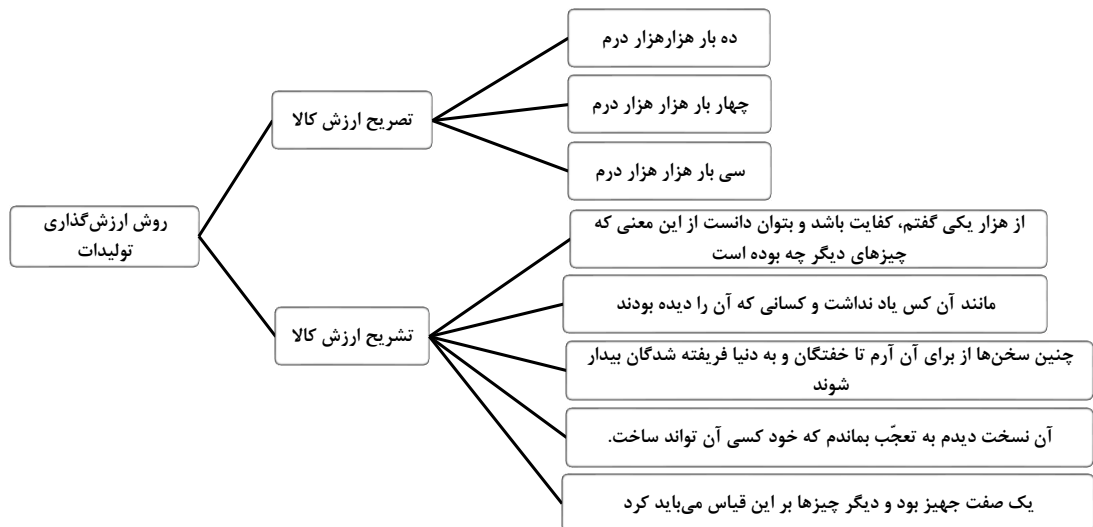
سخن گفتن درباره ارزش اموالی که در قالب جهازیه فرزندان درباریان و حاکمان ذکر گردیده نیز نمونه‌هایی از این دست قلمداد می‌گردد. به‌طور نمونه، سیاه‌ای از جهازیه فرزند سلطان مسعود شامل تولیدات ارزشمندی است به ارزش ده بار هزار هزار درم، که برخی از آن دارای خصوصیات و دقایق هنرهای کاربردی است. تاج زرین مرصع، طبق زرین جواهرنشان، گوهرنشان بودن تولیدات، دوکدان زرین جواهرنشان و موارد مشابه از این دست می‌باشند. (تصویر ۱) در تأیید نفیس بودن جهاز، بومنصور مستوفی ذکر کرده که چندین روز با تعداد زیادی از شاگردانش مشغول نسخت جهازیه بوده است. از طرفی بوفضل شهادت داده که پس از مرگ سلطان مسعود و امیر مردان‌شاه، به تعجب بمانده که این اموال چگونه مهیا گردیده است (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۶۹۲). تأکید بر نفیس بودن و ارزشمند بودن تولیدات



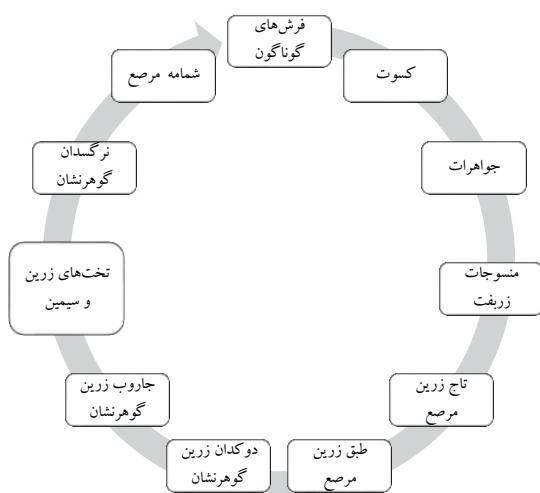
تصویر ۱. خمره سفالی زرین‌فام، گرگان، صدر اسلام (خمره سفالی زرین‌فام، بی‌تا)
Diagram 4. Eightfold Classification of Applied Arts

منسوجات و تولیدات از جنس زرینه و سیمینه را شامل می‌گردیده و مجدداً آشکارا این تولیدات چهار بار هزار درم ارزش‌گذاری می‌گردد: «گفت: امیر فرمود تا در نهان هدیه‌ها را قیمت کردند، چهار بار هزار درم آمد» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۳۰).

در متن زیر که شرح واقعه رسیدن شاه غزنوی به بنای شادیاخ است، بیهقی (۱۳۷۱، ص. ۴۱) از فرش‌هایی یاد می‌کند که جزو اموال حسنک وزیر بوده و از آنجاکه این اموال در جمله‌ای وصفی - بی‌مانند تفصیل گردیده از جمله زیراندازهای نفیس و گران‌بهای دوران مورد نظر می‌توانسته قلمداد گردد: «چون به کرانه شهر رسید، فرمود تا قوم را باز گردانیدند و پس سوی



نمودار ۵. ارزش‌گذاری تولیدات با دو روش تصریحی و تشریحی
Diagram 5. Evaluation of Productions Using Explicit and Descriptive Methods



نمودار ۶. تولیدات هنرهای کاربردی از منظر فهرست اموال بزرگان

Diagram 6. Applied Arts Productions from the Perspective of Elite Property Lists

بپسندید و گرد بر گرد آن درختان، بیست نرگس‌دان نهاده و همه سپر غم‌های^۱ آن از زر و سیم ساخته و بسیار انواع جواهر و گرد بر گرد این نرگس‌دان‌های سیم طبق زرین نهاده همه پر عنبر و ششامه‌های کافور، این یک صفت جهیز بود و دیگر چیزها بر این قیاس می‌باید کرد» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۱۰) (نمودار ۶).

۱. هنرهای کاربردی در فهرست هدایا

یکی از رسومی که در فرهنگ ایرانی قابل تأمل بوده، رسم هدیه دادن است. در ایران، سنت هدیه دادن به دلایل مختلف، از جمله مسائل سیاسی و اقتصادی انجام می‌شده است. این سنت پس از اسلام نیز توسط خلفای اسلامی حمایت و حتی تثبیت شد و استمرار یافت. بنابراین، در دوران حکومت غزنویان نیز، هدایای هدایای گران‌بها در مناسبت‌های مختلف و به شکل‌های مختلف در دربار رایج بود. به‌طور معمول، هدایا در این کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود:

اولین دسته مربوط است به هدایایی که بزرگان به زبردستان اهدا کرده و دومین دسته نیز مربوط به هدایایی می‌شد که از سوی زبردستان به بزرگان اهدا می‌گردید. در فهرست هدایایی که در دو دسته‌بندی فوق قرار گرفته، تولیدات متنوعی در عرصه هنرهای کاربردی قابل رصد است.

در این بخش ترکیبات وصفی به‌کرات قابل‌مشاهده است. در پژوهش حاضر همان‌طور که پیش‌ازاین نیز

مورد اشاره در اینجا با جمله در تعجب بماندم و در ادامه با جمله یک دو چیز گفتن- که منظور نمونه‌ای است از خروار نعمات ارزشمند، تشریح گردیده است «یک دو چیز بگویم؛ چهار تاج زرین مرصع به جواهر و بیست طبق زرین میوه آن انواع جواهر و بیست دوکدان^۱ زرین جواهر در او نشانده و جاروب زرین ریشه‌های مروارید بسته»، در پایان به لحاظ ارزشی که این تولیدات داشته علی‌رغم تصریح در ارزش‌گذاری عددی در سرآغاز متن و جملات وصفی که در میانه متن نیز بدان اشاره گردید، بار دیگر با تشریح مجدد ارزش کالا، بر ذی‌قیمت بودن آن تأکید می‌شود: «از این چیزی چند باز نمودم و از هزار یکی گفتم، کفایت باشد و بتوان دانست از این معنی که چیزهای دیگر چه بوده است و...» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۶۹۱).

مشابه موضوع فوق، در سیاهه^۲ جهازیه دیگر فرزندان امرای غزنوی (دختر باکالیجار) قابل‌رصدی است. در ابتدا و انتهای این متن با استفاده مؤکد نویسنده از جملات وصفی در قالب مفاهیمی چون بی‌حد اندازه بودن جهاز، دشوار تفصیل کردن تولیدات، یک صفت از جهیزیه، قیاس دیگر تولیدات بر این منوال، سخت پسندیده شدن تولیدات توسط امیر؛ بر منعکس کردن کمیت و کیفیت آن اموال اصرار مکرر دارد. در جست‌وجوی محتوایی متون مذکور، افزون بر انواع تولیدات؛ به خصوصیات و ویژگی‌هایی از مواد اولیه، طرح و نقش و حتی رنگ‌بندی برخی از آن‌ها می‌توان پی برد. تشبیه تخت به بوستان می‌تواند تشبیه نقوش گیاهی را در آن متبادر نماید؛ همان‌طور که در ادامه متن نیز به درختان پیروزه‌های اشاره شده که مرصع به سنگ‌های قیمتی است. از طرفی نرگس‌دان‌هایی که از گل‌های به جنس زر و سیم ساخته و پرداخته شده، طبق‌های زرینی که پر از عنبر بوده و ششامه‌ها و ... حاصل تصویرسازی مطلوبی است که نویسنده علاوه بر نقل رویدادهای تاریخی، با نگاهی بر جزئیات پیرامونی از مشاهدات در حوزه هنرهای کاربردی در دوره غزنویان ارائه کرده است: «و با دختر باکالیجار چندان چیز آورده بودند از جهیز معین که آن را حد و اندازه نبود و تفصیل آن دشوار توان داد؛ و من که بوالفضل از ستی زرین مطربه شنووم ... می‌گفت که دختر تختی داشت گفتی بوستانی بود، در جمله جهیز این دختر آورده بودند، زمین آن تخت‌های سیمین در هم بافته و ساخته و بر آن سی درخت زرین مرتب کرده و برگ‌های درختان پیروزه بود با زمرد و بار آن انواع یواقیت، چنان‌که امیر اندر آن بدید و آن را سخت

۱. دوکدان. (ا مرکب) حفش و سبد کوچکی که در آن دوک و گروهه ریسمان و پنبه گذارند (دهخدا، ۱۳۷۲)



تصویر ۲. پارچه ابریشمی دو رو دو پودی، ری، صدر اسلام
(پارچه ابریشمی دو رو دو پودی، بی تا)
Figure 2. Double Faced, Double Weft Silk Textile (Double Faced, Double Weft Silk Textile, n.d.)

قبایی خاص، کمر مرصع به جواهر به ایشان اهدا داده می‌شود: «گفت: ... گروهی را ناخوش است سالاری تو و تلبیس می‌سازند... و گفت: چون رأی عالی در باب بنده بر این جمله است، بنده از کس باک ندارد. امیر فرمود تا قبای خاصه آورند و فرا پشت او کردند، برخاست و بپوشید و زمین بوسه داد، امیر فرمود تا کمر شکاری آورند مرصع به جواهر و وی را پیش خواند و به دست عالی خویش بر میان او بست» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۱۷۴). هدای خلت از طرف شاه مسعود غزنوی به «تلک»، به جهت خدمتی که برای شاه کرده بود علاوه بر جامه زرین، «خلعت زر» شامل گردنبند زرین مرصع به جواهر نیز بوده است که به دست شخص پادشاه بر گردن ایشان انداخته می‌شود «طوق زرین مرصع» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۲۳). درجایی دیگر این شخص دیگر بار «خلعتی سخت نیکو» و «طوقی مرصع به جواهر» از امیر به‌عنوان خلت دریافت می‌دارد (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۶۴۸). از جمله هدایایی که بزرگان به زبردستان هدیه کرده‌اند می‌توان به تولیداتی اشاره کرد که در این بین، خیمه، خرگاه، فرش و ظروف نقره از آن قرار گرفته است. «و روز چهارشنبه بیست و چهارم این ماه به باغ صد هزاره باز آمد ... و آلت سفر او را از خیمه و خرگاه و اسبی چند و اشتری چند به فرزند امیر عبدالرزاق ببخشید با سه دیه یکی به زاولستان و دو به پرشور. و دیگر هرچه بود خاصه را نگاه داشتند. و سرایش به فرزند امیر مردان‌شاه بخشید با بسیار فرش و چندپاره سیمینه» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۶۹۰). در نقل‌قول دیگری از کتاب تاریخ بیهقی آمده است

بیان شد، وصف مفهوم واژگان ارزشی در ترکیبات وصفی (صفات بیانی و تفضیلی) و جملات وصفی، در تحلیل و سنجش کمی و کیفی متون در حال بررسی حائز اهمیت است. صفات بیانی، چگونگی و ویژگی‌های اسم قبلی خود را توضیح می‌دهند. تشریح رنگ، قد، جنس، شکل، وضع، حجم، اندازه، مقدار و ارزش و ... در بسیاری از صفات بیانی بیانگر خصوصیات اسم پیش از خود است. تصریح در ذکر تولیدات همراه با صفات گران‌بها، با قیمت، گرانمایه، نکو، خوب‌ترین، قیمتی و نیکو، لطیف و همانند این نوع واژگان توسط نویسنده، می‌تواند تا حد قابل اعتنائی، بیانگر نوع و ویژگی‌های تولید موردنظر باشد. افزون بر این، ترکیبات در قالب جملات وصفی نیز در تحلیل کیفی مطرح‌شده مؤثر واقع می‌گردد. جملاتی -مانند حاضران به تعجب بمانند، میان صفا زرین شد از این نثار، طرایف انداختند که حد نبود -که به‌نوعی بر سطح کیفی و کمی تولیدات تأکید کرده، از این دست است (نمودار ۷).

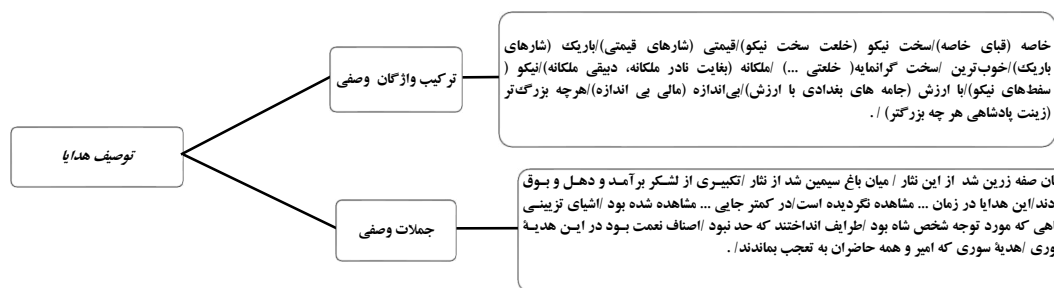
۱-۲. دسته‌بندی هدایای بزرگان به زبردستان

همان‌طور که در متون تاریخی به‌دفعات مشاهده می‌شود، خلعت دادن از سنت‌های منسوب به درباریان است. طبق گفته‌های تاریخ‌نگار کتاب تاریخ بیهقی، خلعت اختصاص به افرادی دارد که موردعنایت بزرگان قرار می‌گیرند. بیشترین هدایا بزرگان به زبردستان همان خلعت است و بسامد آن در این دوران نیز بسیار است. خلعت در دوران تاریخی به تنها جامه دوخته متمرکز نبوده، بلکه افزون بر آن، به گونه‌های گرانمایه دیگری نیز اشاره دارد. این اجناس شامل کمر بند زر، انواع پارچه و دیبا، طوق زرین مرصع به جواهر، بدره‌های درم، جامه‌های نابریده، استام زر هزار مثقال، دبدبه، طبل، کوس، علم، کلاه دو شاخ، چهارپایان، غلامان و ... می‌شود. نقلی از دو سپهسالار در کتاب بیهقی ذکر گردیده که شامل عنایت خاص امیر غزنوی گردیده‌اند. امیر دستور می‌دهد تا قبای زربفت «دو قبای خاص هر دو بزر» و همچنین دو شمشیر که مرصع به جواهر بود برای هدیه نزد پادشاه آورند. گویا این هدایا بسیار نایب بوده به‌طوری‌که ارزش آن نیز تصریح می‌گردد «قیمت هر دو پنجاه‌هزار دینار است» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۲۸۹) (تصویر ۲).

همچنین در بخشی دیگر از این کتاب به سبب دلگیر شدن یکی از سپاهیان از وابستگی نظامی دربار و به جهت دلجویی کردن از ایشان از طرف پادشاه

۱. چادر و ستاده و منزلگاه قابل حمل و نقل که از پارچه‌های کلفت مانند کرباس و کتان و جز آن می‌سازند یا از مو و پشم می‌بافند و برای زندگی کردن در آن یا در صحرا و باغ جهت نشستن در زیر سایه وی آن را بر پا می‌کنند (دهخدا، ۱۳۷۲).

۲. خیمه بزرگ، سرپرده بزرگ، «الاجیق بزرگ»، خیمه بزرگ مدور، قبه، جنسی از خیمه‌های مراتب پادشاهی و ملوک (دهخدا، ۱۳۷۲).



نمودار ۷. توصیف مفهوم مثبت واژگان ارزشی در ترکیبات وصفی و جملات وصفی
Diagram 7. Description of the Positive Meaning of Evaluative Terms in Descriptive Phrases and Sentences

ساخته بود پیش آوردند پانصد حمل، هدیه‌ها ... و چندان جامه و طرایف^۲ و زرینه و سیمینه و ... مروارید و محفوری و قالی و کیش و اصناف نعمت^۵ بود در این هدیه سوری که امیر و همه حاضران به تعجب بماندند و آنچه زر نقد بود در کیسه‌های حریر سرخ و سبز و سیم در کیسه‌های زرد دیداری و ...» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۳۰). در بررسی و ارزیابی متون تاریخی در راستای استخراج نسبی کمیت و کیفیت تولیدات حوزه هنرهای کاربردی، همجواری واژگان هم‌ارز و حتی غیر هم‌ارز^۶ مرتبط با انواع تولیدات هنری نیز می‌تواند تا حد مطلوبی، راهنمای مناسبی برای تشخیص ویژگی‌های محصولات و همچنین تا حدی می‌تواند در خصوص سنجش کیفی محصولات مؤثر واقع گردد. در واژگان هم‌ارز فوق‌الذکر؛ جامه، زرینه، سیمینه، قالی و محفوری به همراه مروارید و ترکیب واژه اصناف نعمت، می‌تواند بر ارزش‌گذاری آثاری چون قالی و محفوری مؤثر باشد. در نقل‌قولی دیگر از کتاب تاریخ بیهقی، از فهرست بسیار مفصل از هدایا در زمان هارون‌الرشید، در پایان حکومت آل برمک سخن رانده شده است. به طوری که تنوع کمی و کیفی آن در کمتر منبعی قابل احصا بوده و همجواری تولیدات ارزشمند این سیاه نیز به مانند متون گذشته، خود نشانگر نفیس بودن هدایای مذکور است. در این فهرست متنوع و ارزشمند، انواع تولیدات در دسته‌بندی مختلف زیرمجموعه هنرهای کاربردی قابل دسته‌بندی است. در زیرمجموعه منسوجات می‌توان به جامه ملون ششتری و سپاهانی و سقلاطون و ملحم^۷ دیباجی^۸ و دیبای ترکی، جام‌های زرین یا سیمین، شارهای^۹ قیمتی پوشیده، شارهای باریک، ساخت‌های مرصع به جواهر بدخشی و پیروزه و جل‌های دیبا، اشاره کرد. در دسته زیراندازها و پرده‌های تزیینی فرش‌گونه،

که به واسطه دستوری از امیر سوری، فرشی که در صفا^۱ و در محل استقرار پادشاه در امارت شادیاخ بوده را به دلیل بازسازی تزیینات صفا، پاره‌پاره کردند و آن را به درویشان هدیه دادند. این موضوع مورد تأیید سلطان مسعود نیز واقع گردیده است «و امیر روز پنجشنبه نیمه ماه ربیع‌الآخر بیست و هفتم ماه و به باغ شادیاخ فرود آمد و سوری مثال داده بود تا آن تخت مسعود که طغرل بدان نشسته بود و فرش صفا جمله پاره کرده بودند به درویشان داده و نو ساخته و بسیار مرمت فرموده و امیر را این خوش آمد، وی را احما کرد» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۸۰۹). اهدا کردن پاره‌پاره‌های این فرش به زبردستان، به نحوی یادآور رویداد تاریخی فرش بهارستان^۲ است که به دلیل ارزشمند بودن این قطعه، تکه‌تکه‌های آن نیز بسیار نایب و محسوب می‌شد.

۲-۲. هدایای زبردستان به بزرگان

بخش قابل‌توجهی از حجم هدایا در متن کتاب تاریخ بیهقی، از دسته‌ای است که بنا به مناسبات سیاسی و اقتصادی از سوی زبردستان به بزرگان اهدا می‌گردید. بسیاری از این هدایا به لحاظ کمی و کیفی توسط نویسنده چنان وصف گردیده که گویا ارزشمندترین هدایای دوران مذکور هستند. به طور مثال، در بخشی از تاریخ بیهقی به ماجرای عظمت هدیه سوری معتز^۳ به پادشاه غزنوی جهت خوش‌آمد گویی پادشاه غزنوی اشاره دارد. کنایه پادشاه به آل برمک که این هدایا در زمان وزارت فرزندان ایشان مشاهده نگردیده است، به لحاظ تاریخی و قیاس آن با هدایای اهداء شده ماقبل، قابل‌تأمل است. در این فهرست، هدایا بخش عمده‌ای از تولیدات ارزشمند در حوزه هنرهای کاربردی نمود خواهد داشت: «... و سوم ماه رمضان هدیه‌ها که صاحب دیوان خراسان

۱. بخشی از اطاق که سکومانند است و از جاهای دیگر اطاق بلندتر است و شاه و بزرگان آنجا می‌نشینند (دهخدا، ۱۳۷۲).
۲. برای مطالعه بیشتر در این باره به مقاله «سرنوشت فرش بهارستان بعد از نبرد قادسیه» (آبخیز، ۱۳۹۵) (تاریخنامه‌خوارزمی، فصلنامه علمی تخصصی، سال چهارم، زمستان، شماره ۵۵۳۳) رجوع شود.
۳. سوری بن مغز (ق ۲۱) از رجال مهم دربار سلطان محمود و سلطان مسعود اول غزنوی و فردی مال اندوز و ستمگر بود و هنگامی که از طرف محمود به حکومت نیشابور و امارت خراسان رسید، برای جمع آوری مالیات، ستم بسیار کرد و از آنچه دریافت داشت، نصفش را به سلطان داد.
۴. طرایف، چیزهای لطیف و خوش. «مال‌های نو و تازه». هر شیء نادر (دهخدا، ۱۳۷۲).
۵. اصناف صنف. قسمها. انواع. گونه‌ها. گروهها. اشکال. اجناس گوناگون. (دهخدا، ۱۳۷۲).
۶. در واژگان غیر هم‌ارز (ارزش) در فرضیه همجواری نیز می‌توان به کیفیت برخی از تولیدات پی برد. برای نمونه در شعر زیر آشکار است: هرچند که پشم است اصل هر دو* بسیار به است از پلاس قالی. برای مطالعه بیشتر به مقاله «بازسازی تاریخ و جغرافیای هنرهای کاربردی ایران بر اساس منابع مکتوب در سده‌های نخستین هجری با تکیه بر فرش دستباف» رجوع شود (اشعاری، ۱۳۹۹، ص. ۹).
۷. نوعی از پارچه ایریشمی که نهایت ملایم باشد (دهخدا، ۱۳۷۲).
۸. دیبایف را گویند، یعنی هرچه از دیبا بافته شده باشد (دهخدا، ۱۳۷۲).
۹. جامه باریک و رنگین که به هندی ساری گویند (دهخدا، ۱۳۷۲).



تصویر ۴. محمود غزنوی در حال پوشیدن ردای هدیه گرفته شده از جانب القادر خلیفه عباسی (رشیدالدین فضل الله، ۴۱۷ ق. / ۴۱۳۱ م.)

Figure 4. Mahmud of Ghazni Wearing a Robe Presented by al Qadir, the Abbasid Caliph (Rashīd al Dīn Faḏl Allāh, 1314 CE/ 714 AH)



تصویر ۳. قده سفالی، نیشابور، صدر اسلام (قده سفالی نیشابور، بی تا)

Figure 3. Ceramic Bowl (Ceramic Bowl, n.d.)

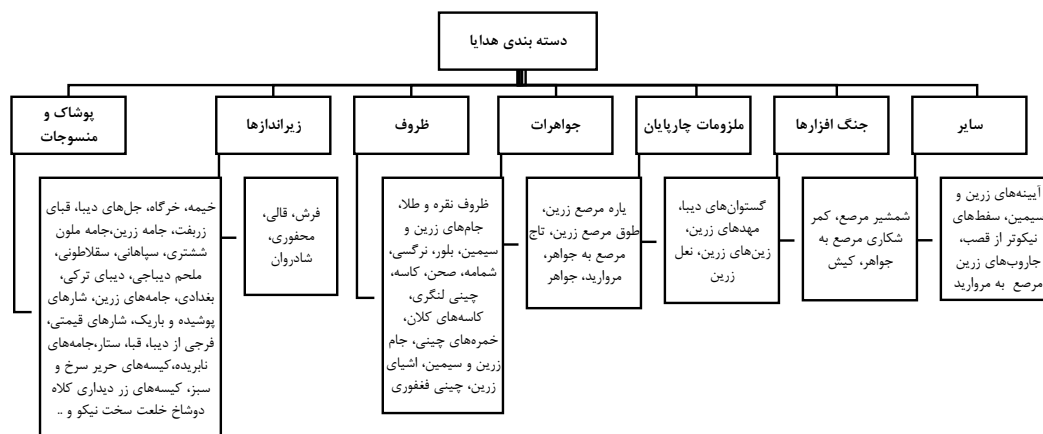
به گونه‌های متنوعی دست یافت، از جمله آیین‌های زرین و سیمین، پانصد هزار و سیصد پاره بلور از هر دستی، دویست عدد چینی فغفوری از قده بزرگ «صحن»، کاسه و غیره و دو هزار چینی از لنگری و کاسه‌های عظیم^۲ و خمره‌های چینی عظیم و کوچک و انواع دیگر که با تصریح نویسنده در کمتر جایی مطابق آن محصولات به لحاظ مرغوبیت مشاهده شده بود (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۳۸). در نقلی دیگر بیهقی (۱۳۷۱، ص. ۵۲۸) به ماجرای هدایایی که از خراسان به دربار سرازیر شده بود، اشاره کرده که در این میان جامه ملون شوشتری، سپاهانی، سقلاطون، ملحم یا جامه دیبا «ملحم دیباجی»، دیبای ترکی و دیداری، جام‌های زرین و سیمین، شاره‌های قیمتی و سقط‌های^۳ نیکوتر از قصب فهرست می‌شود (تصویر ۴).

در بیانی دیگر از این کتاب نیز به هدایایی که از شب تا صبح روانه دربار می‌گردید اشاره شده که اشیای زرینه و سیمینه، جامه‌های نابریده و دیگر اشیای تزئینی شاهی که مورد توجه شخص شاه بود از آن جمله است: «خواجه برخاست و به خانه رفت و آن روز تا شب نیز نثار می‌آوردند، ... بی اندازه مالی از زرینه و سیمینه و جامه‌های نابریده... و هر چیزی که از زینت و تجمل پادشاهی بود هر چه بزرگتر، امیر را از آن سخت خوش آمد» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۱۹۴). همچنین، ماجرای امیر غزنوی و آمدن او به مصلار در ردیابی برخی هدایا قابل توجه است. فرجی^۵ از دیبای سیاه و جنس‌های دیگر، جامه‌های بغدادی با ارزش، تاج‌های مرصع به جواهر، دستبند و گردنبند مرصع

می‌توان به سیصد شادروان^۱ و دویست خانه قالی و دویست خانه محفوری اشاره کرد. اعجاب امیر و تکبیر همه حاضران پس از عرضه هدایا به پادشاه و از طرفی همجواری منسوجات ارزشمند، جام‌های زرین و سیمین، ساخت‌های مرصع و ... به همراه کیسه‌های زر، سیم و مروارید و ... به همراه این تولیدات خود نشانگر کیفیت و کمیت این هدایا است «چون این اصناف نعمت به مجلس خلافت و میدان رسید، تکبیری از لشکر برآمد و دهل و بوق بزدند، آن‌چنان که کس مانند آن یاد نداشت و نخوانده بود و نشنوده بود» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۳۸) (تصویر ۳).

در این دوره، با توجه به کاربرد چارپایان، برخی از این هدایا ساخت‌هایی است که با ظرافت خاص به همراه تزیینات پرکار و نفیس برای پوشش و تجهیز چارپایان اختصاص یافته است. بیهقی روایت کرده که برای پنج فیل نر و دو ماده فیل بر گستوان‌هایی^۲ هدیه شد که از دیبا بوده است. فیل‌های مورد اشاره با «مهدهای زر و کمرها و ساخت‌های مرصع به جواهر» تزیین شده بودند. این موضوع شامل سایر چارپایان اهدایی نیز می‌شد به گونه‌ای که برای بیست اسب اهدایی و دویست اسب خراسانی و سیصد اشتر «زین‌های زرین، نعل زر بر زده و ساخت‌های مرصع به جواهر بدخشی، پیروزه، مهدهای به زر و جل‌های دیبا بامحمل و مهد» ضمیمه شده بود (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۳۸). در بخش اشیای تزئینی و کاربردی، می‌توان

۱. شادروان پرده بزرگی مانند شامیانه و سرپرده که پیش در خانه و ایوان ملوک و سلاطین بکشند. قسمی از خانه‌های متحرک ترکمانی که به زینت‌های گوناگون مزین باشد. فرش بس بزرگ و منقش. فرش منقش و بساط بزرگ گرانمایه زریه (دهخدا، ۱۳۷۲).
۲. برگستوان: پوششی بود که در روز جنگ می پوشیدند و بر اسب نیز برای حفظ می‌افکندند و آن جامه‌ای بوده که به جای پنبه در آن پیله و ابریشم فرومایه که کج و کژ گویند می‌گذاشتند و می‌بوختند و آن را کجم و کجین نیز می‌خواندند و کژ و غر هر دو به معنای ابریشم است و بر این معنی آن را غزاغند و کزاغند خوانند (دهخدا، ۱۳۷۲).
۳. بزرگ. عظیم. کبیر. بزرگوار (دهخدا، ۱۳۷۲).
۴. جامه‌دان (دهخدا، ۱۳۷۲).
۵. نوعی از قبا یی بند گشاد و در پیش آن بعضی تکه افزاینده بیشتر بر فراز جامه پوشند (دهخدا، ۱۳۷۲).



نمودار ۸. تولیدات هنرهای کاربردی در فهرست هدایا
Diagram 8. Applied Arts Productions in Gift Lists

استحصال مراکز تولیدی است که می‌توان برخی از تولیدات در حوزه هنرهای کاربردی را بدان منطقه نسبت داد. آنچه از مراکز تولید در تاریخ بیهقی قابل استخراج است، ایالت طبرستان و دیلمان و شهرهای آمل، گرگان، ساری و ایالت خراسان و شهرهایی چون نیشابور، بلخ و... از جمله مراکز تولید ایران در دوران غزنوی می‌تواند قلمداد گردد. زر نیشابوری، جامه‌های رومی، محفوری و قالی از جمله محصولات این مناطق ذکر گردیده است (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۹۷). در بخشی دیگر از این کتاب، شهرهای خراسان و آمل به‌عنوان مراکزی یاد می‌شود که محفوری و قالی را به‌عنوان خراج و مالیات به حاکم ارسال می‌کنند. از آنجاکه خراج و مالیات مناطق معمولاً به‌عنوان نمونه درآمدی ایالات و شهرها محسوب می‌گردیده؛ از این رو، می‌توان به‌عنوان مراکز تولید نیز به آن استناد کرد «از آن آمل و طبرستان درمی صد هزار بوده است و فراخور این تایی چند محفوری و قالی... و نسخت عرضه کرد و پیغام باز نمود و گفت من تلاف کنم تا این چه در نسخت نبشته آمده است از گرگان و طبرستان و ساری و همه محال سنده آید تا شما را بیشتر رنجی نرسد» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۹۸). ایالت خراسان و شهرهای بغداد، ری، جبال، گرگان و طبرستان نیز بار دیگر به‌عنوان محل تولید هنرهای کاربردی ارسالی به دربار پادشاه ذکر می‌شود «و سوم ماه رمضان هدیه‌ها که صاحب دیوان خراسان ساخته بود پیش آوردند پانصد حمل... و چندان جامه و طرایف و زرینه و سیمینه و مروارید و محفوری و قالی و... که از همه شهرهای خراسان و بغداد و ری و جبال و گرگان و طبرستان نادرتر

و ... از جمله هدایایی است که از سوی زبردستان به پادشاه اهدا می‌گردید: «بلغاتگین و دیگر حجاب در دویند، بازوی امیر گرفتند تا از تخت فرود آمد و بر مصلا بنشست، رسول صندوق‌های خلعت بخواست، پیش آوردند؛ هفت فرجی^۱ بر آوردند یکی از آن دیبای سیاه و دیگر از هر جنس و جامه‌های بغدادی مرتفع^۲. امیر بوسه بر آن داد و دو رکعت نماز بکرد و به تخت آمد و تاج مرصع به جواهر و طوق^۳ و یاره^۴ مرصع همه پیش بردند و ببوسیدند و بر دست راستش بر تخت بنهادند...».

نکته قابل توجه آن است که نویسنده تاریخ بیهقی از نظر اهمیت و شکوه هدایایی که به پادشاه اهدا گردیده، در پایان این بند با استفاده از ترکیب واژگانی چون میان صغه زرین شدن از هدایا «چنان‌که میان صغه زرین شد از نثار» سیمین شدن میان باغ «میان باغ سیمین از کیسه‌ها» و «طرایف انداختند که در حد نبود» با تأکید مؤکد، بر انتقال محتوای کمی و کیفی درک شده در ذهن خویش به مخاطب تلاش می‌کند (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۴۷۴). باز پس دادن هدیه‌ای که به بو نصر از طرف امیر محمد^۵ گرفته بود، خود روند معکوسی است که هرچند در تقسیم‌بندی‌های فوق دیده نشده، اما جالب توجه است. در این فهرست به‌غیر از زر و سیم، جامه نابریده، قباها و دستار از جمله هدایایی است که از سوی زبردستی به بزرگی عودت داده شده است (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۳۳۸) (نمودار ۸).

۳. فهرست مراکز تولید هنرهای کاربردی
از جمله توانمندی‌های مغفول مانده در متون تاریخی،

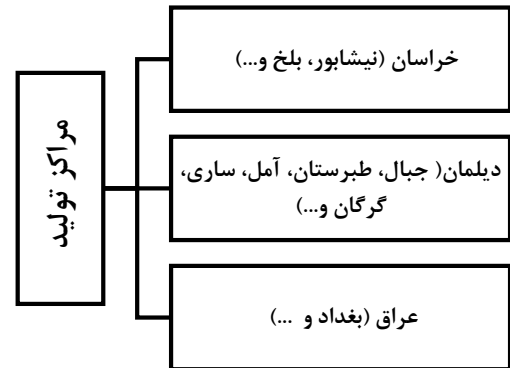
۱. فرجی [فَرَج] (۱) نوعی از قبای بی بند گشاد و در پیش آن بعضی تکمه افزایش و بیشتر بر فراز جامه پوشند (دهخدا، ۱۳۷۲).
۲. جامه‌های کتان خیزد مرتفع و با قیمت (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۱۲).
۳. گردن بند (صفی پور، ۱۳۵۲، ص. ۱۳۷۲).
۴. دست برنجن را گویند و آن حلقه‌ای باشد از طلا و نقره و غیر آن که بیشتر زنان در دست کنند و یارق معرب آن است و به عربی سوار گویند (دهخدا، ۱۳۷۲).
۵. امیرمحمد، پسر سلطان محمود غزنوی بود که چندی بعد از پدر به تخت شاهی نشست (دهخدا، ۱۳۷۲).



گرانمایه، به همراه زر و سیم و دینار هریوه بوده که راهی دربار گردیده است. «و حسن سپاهانی ساربان را به رسولی فرستادند تا مال خراج مکران^۱ و قصدار^۲ بیارد... خلعتی سخت گرانمایه و منشوری با وی دادند. ... و مالی آورده هدیه امیر و اعیان درگاه را از زر و مروارید و عنبر و چیزها، که از آن دیار خیزد و ... ده هزار دینار هریوه^۳ باشد بیرون از جامه و طرایف و یک سال آورده بودند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۳۱۵).

۵. فهرست هنرهای کاربردی در تزئین ابنیه

بیهقی با توجه به آن که به همراه نقل رویدادها بر بستر حوادث و مشاهدات پیرامونی نیز متمرکز بوده، به واسطه مشاهدات مستقیم خویش از دربار و درباریان اطلاعات ویژه‌ای از محصولاتی که در حوزه هنرهای کاربردی با کاربرد تزئین داشته را ارائه می‌دهد. در توصیف مشاهدات بیهقی از ساخت و تجهیز کاخ غزنوی به فرمان امیر غزنوی می‌توان به جزییات قابل تأملی از تزئینات داخلی کاخ دست یافت. نویسنده در بسیاری از مطالب، موارد مشاهده‌شده را از باب مقایسه کیفی و کمی در حدی تصویر می‌کند که گویا این نوع تولیدات قابل قیاس با موارد مشابه در آن زمان نبوده است. در بخشی از تاریخ بیهقی صفا بزرگ سرای نو به دستور امیر غزنوی تزئین می‌گردد. بیهقی نقل می‌کند عوامل مربوطه چنان قصر جدید را تزئین دادند که هیچ تزئینی به لحاظ زیبایی در پس و پیش این واقعه قابل وصف نبوده است: «پس از آن هر چه بدید او را بچشم هیچ ننمود» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۷۱۳). این جزییات از تجهیز کاخ چنان تصویرسازی شده که می‌توان به اطلاعات قابل تأملی از نقوش، رنگ‌بندی و مواد اولیه تولیدات دست یافت. تزئین تخت پادشاهی با زر سرخ و جواهرنشان بودن تزئینات، تصویرسازی تزئینات به کاررفته در تخت مذکور، با نقوش شاخ نبات مانند در این متن قابل توجه است: «تخت همه از زر سرخ»، «صورت‌ها چون شاخه‌ای نبات» و ... از طرفی تخت شاهی نیز دارای تکیه‌گاهی بوده «دارافزین‌ها...» مرصع به انواع گوهرسنگ‌های ارزشمند «مکمل به انواع گوهر...» و گویا روی تخت نیز با سایه‌بانی از منسوج ابریشمی رومی «شادروانکی دیبای رومی...» پوشیده شده بود. زنجیر زرانود نگه‌دارنده تاج شاهی، شوشه زربفت، مصلا، تاج زرین، صورت رویین ساخته بر مثال مردم، از جمله فهرستی است که بدان اشاره گردیده است (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۷۱۳). در این متون، از



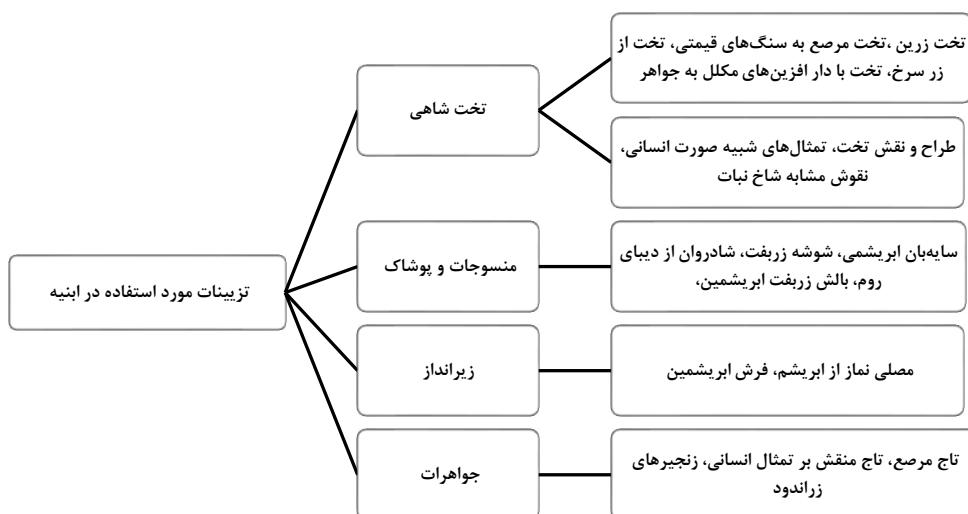
نمودار ۹. مراکز تولید
Diagram 9. Centers of Production

چیزها به دست آورده بود، ...» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۹۷) (نمودار ۹).

۴. هنرهای کاربردی در فهرست مالیات و خراج

نویسنده کتاب تاریخ بیهقی علاوه بر سخن گفتن درباره هدایا که معمولاً حاکمان ایالات جهت خوش آمد گوی به پادشاه تقدیم می‌کردند، به فهرست سالیانه خراجی که از رعایا اخذ شده و تقدیم حکومت می‌گردید، نیز اشاره می‌کند. در این کتاب، گهگاه به دلیل سختگیری‌های مالیات گیرندگان از ظلمی که بر رعایا و مردم عادی روا داشته می‌شد نیز مطالبی بیان شده است. به طور معمول خراج و مالیات حاصل تولیدات مناطقی است که از آن احصا می‌گردید. در فهرست مالیات و خراج مذکور بخشی از تولیدات در حوزه هنرهای کاربردی را نیز می‌توان استخراج کرد؛ «پس گفت: دانید که خداوند سلطان را مالی عظیم خرج شد تا لشکر اینجا کشید ... باید که از این نواحی وی را نثاری (و خراجی) باشد به سزا. گفتند: فرمان بداریم آنچه به طاقت ما باشد که این نواحی تنگ است و مردمانی درویش. و نثار ما که از قدیم باز رسم رفته است از آن آمل و طبرستان درمی صد هزار بوده است و فراخور این تایی چند محفوری و قالی، که اگر زیادت‌تر از این خواسته آید، رعایا را رنج بسیار رسد» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۹۸). حسن سپاهانی ساربان مأمور دریافت باج (مالیات) از سرزمین‌های قصدار و مکران شده بود. در نقل‌قولی از این کتاب، یک قسم از مالیات اخذ شده است که شامل جامه و طرایف ارزشمند، خلعت سخت

۱. نام شهری است در ایران و نام ولایت آن شهر هم هست... و به فتح اول هم گفته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۲).
۲. قصبه‌ای است در ناحیه‌ای که بدان طوران گویند (دهخدا، ۱۳۷۲).
۳. سعید نفیسی در حاشیه تاریخ بیهقی می‌نویسد: گویا درست‌تر آن باشد که در این معنی هم هریوه منسوب به هرات است زیرا تاکنون هریوه به تنهایی و به صورت اسم در متنی دیده نشده و در همه جا زر هریوه یا دینار هریوه و به صورت صفت استعمال شده است (دهخدا، ۱۳۷۲).



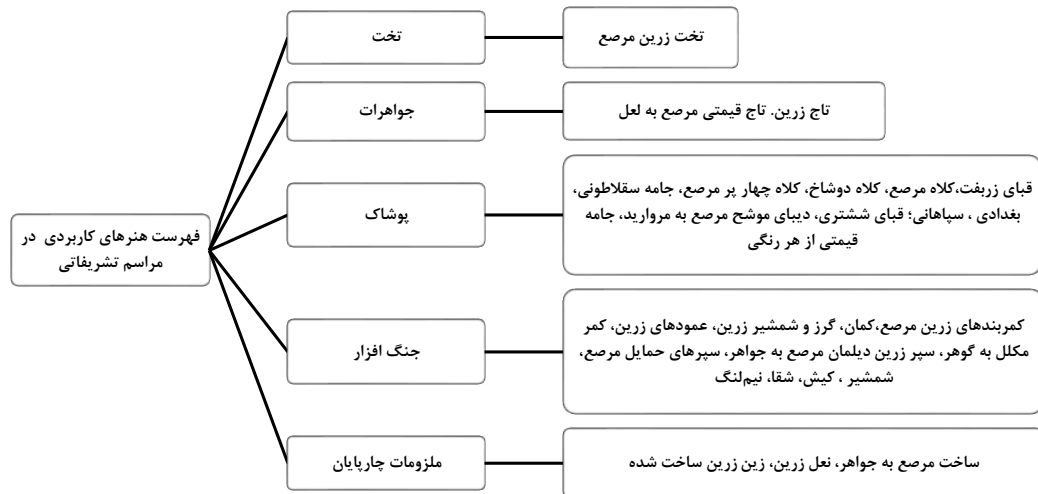
نمودار ۱۰. دسته‌بندی تزیینات مورد استفاده در ابنیه
Diagram 10. Classification of Decorations Used in Buildings

می‌یافت، لازم بود مطابق مقام و منزلتی که برای او متصور بودند، شرایطی مطلوب مهیا گردد. از این رو، علاوه بر تزیین فضای پیرامونی، خدم و حشم و ملازمان پادشاه نیز در قالب تشریفات رایج آمادگی حضور پیدا می‌کردند. در این بخش نیز اطلاعات قابل‌تأملی از تولیدات مرتبط با هنرهای کاربردی می‌توان استخراج کرد. به‌طور مثال، از تجهیزات و ملزومات مورد نیاز شخص پادشاه به تخت زرین، تاج و کلاه، قبایی که از دیبای زربفت مرصع «دیبای لعل به زر...» بوده و توسط سنگ‌های قیمتی چون لعل مرصع گردیده؛ اشاره می‌شود (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۷۱۴) (تصویر ۵). از سوی دیگر، کنیزکان مقرب در اطراف او به‌صفت می‌شدند و طبق تشریفات رایج دربار می‌بایست جامه‌های خاص و ظریفی که اغلب مشابه دیبا است را بر تن داشته باشند: «جامه‌های سقلاطون، بغدادی و سپاهانی». علاوه بر آن «کلاه‌های دوشاخ، کمرهای زر، معالیق، عمودهای زرین» از دیگر ملزومات این افراد بوده است. همچنین درون صفت که همان ایوان شاه‌نشین بود، ترکیبی از حلقه غلامان نیز قابل‌توجه بوده است. در توصیف این افراد، بخش‌هایی از تزیینات پرتکلف تولیدات در حوزه هنرهای کاربردی در قالب پوشاک، جنگ‌افزارها و ساخت و یراق چارپایان و موارد مشابه قابل‌توجه است. در داخل صفت و در سمت راست و چپ، تخت شاهی و ده غلام با کلاه‌های چهارپر، کمرهای ذی‌قیمت مرصع به جواهر و مسلح به شمشیرهای

طریق اطلاعاتی که پیرامون طراحی فضای پیرامونی و اختصاصی پادشاه و نحوه قرارگیری ملزومات او، از تاج پادشاه گرفته تا منسوجات ابریشمی رومی با مشخصات ابعادی و زیراندازهای قیمتی و منسوج‌های گران‌بها که صفت را تزیین می‌دهند اطلاعاتی قابل‌تأملی را می‌توان استخراج کرد. صفت‌های که «با قالی‌ها و دیبای رومی به زر و بوقلمون...» آراسته‌شده بود و «سیصد و هشتاد پاره مجلس زرینه» که ابعاد هر پاره «یک گز درازی...» از جمله این توضیحات است. علاوه بر آن به «شمامه‌های کافور و نافه‌های مشک و پاره‌های عود و عنبری» اشاره دارد که بر این مجلس نهاده شده و در پیش تخت پادشاه «پانزده پاره یاقوت رمانی و بدخشی و زمرد و مروارید و پیروزه» جهت تزیین چیدمان نموده‌اند (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۷۱۴). همین وضعیت در دیگر متون باقی‌مانده از این کتاب قابل‌مشاهده است. تشبیه زیبایی آرایش کوشک به آواز خوش «چنان بیاراسته بودند که سستی زرین و عندلیب مرا حکایت کردند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۴۹). و درجات فردوس اعلی «کوشک‌های حسنی چون درجات فردوس الاعلی بیاراسته»؛ نشانگر تنوع تزیینات به‌کاررفته در آن ابنیه است (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۰۷) (نمودار ۱۰).

۶. فهرست هنرهای کاربردی در مراسم تشریفات (با حضور شاه، بزرگان به همراه خدم و حشم)
در بسیاری از مکان‌هایی که شاه شرف حضور

۱. نوعی پارچه ابریشمی زردوزی شده که آن را در بغداد می‌باقتند و شهرت بسیار داشته است.



نمودار ۱۱. فهرست هنرهای کاربردی در مراسم تشریفاتی
Diagram 11. List of Applied Arts in Ceremonial Rituals

سرای دیلمان و همه بزرگان درگاه و ولایت داران و حجاب با کلاه‌های دوشاخ و کمر زر بودند و بیرون سرای مرتبه‌داران بایستادند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۲۸۲). در شرح عقد نکاح امیر مردان‌شاه در کوشک سالار بگتغدی نیز انواع محصولات از جمله قبای دیبای سیاه موشح مرصع «امیر مردان‌شاه را قبای دیبای سیاه پوشانید موشح به مروارید» کلاه ابریشمی زرین «کلاهی چهارپر زر بر سرش نهاد مرصع به جواهر» کمر زرین تزیین شده «و کمر بر میان او بست همه مکمل به جواهر» جامه‌های ارزشمند با رنگ‌های متنوع «صدپاره جامه قیمتی از هر رنگی» و چارپایان با ملزومات پرکار «اسبی بود سخت قیمتی نعل زر زده و زین در زر گرفته و استام به جواهر» قابل مشاهده است (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۶۹۰) (نمودار ۱۱).

۷. فهرست هنرهای کاربردی در اصناف و پیشه‌ها
در بخشی از متن تاریخ بیهقی به برخی اصناف و پیشه‌ها اشاره شده است. در میان توصیف وقایع و داستان‌ها، به بازارها و محله‌ها و مشاغلی که به نوعی با خرید و فروش کالا و تجارت در ارتباطند اشاره می‌شود. با دقت و تأمل در آن‌ها می‌توان به رونق انواع کسب‌وکار در آن روزگار پی برد. یکی از این پیشه‌ها سیمگری^۵ است که می‌تواند نشان از رونق صنعت و هنر فلز و فلزکاری و بخصوص نقره سازی در شهر بلخ باشد: «پس چون از دیوان بازگشتم، نزدیک او رفتم - و خانه به کوی سیمگران داشت در شارستان

حمایل مرصع‌دار می‌ایستادند. از سوی دیگر، در میان سرای پادشاهی دو صف از غلامان بودند که یک صف از ایشان نزدیک دیوار می‌ایستادند و وجه تمایز ایشان «کلاه‌های چهارپر و تیر به دست و شمشیر و شقا^۱ و نیم لنگ^۲» بود و صف دیگر از ایشان در وسط سرای شاهی مستقر بودند که با «کلاه‌های دو شاخ و کمرهای گران به سیم و معالیق و عمودهای سیمین به دست»، در صحنه حضور می‌یافتند. غلامان در این دو صف، همه «با قبا‌های دیبای شوشتری، سپر زر دیلمان ... مرصع به جواهر» ظاهر می‌شدند (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۷۱۵). در سایر متون به جای مانده نیز این ویژگی‌ها قابل ردیابی است. جامه فاخر، کمرهای گران و مرصع به جواهر، قبا از دیبای شوشتری و ... از جمله توصیفات دیگری از این کتاب است: «صبح بدمید چهار هزار غلام سرایی^۳ در دو طرف سرای امارت به چند رسته بایستادند؛ دو هزار با کلاه دو شاخ^۴ و کمرهای گران ده معالیق بودند و با هر غلامی عمودی سیمین و دو هزار با کلاه چهارپر بودند و کیش و کمر و شمشیر و شقا و نیم‌لنگ بر میان بسته و هر غلامی کمانی و سه چوبه تیر بر دست. و همگان با قبا‌های دیبای شوشتری بودند و غلامی سیصد از خاصگان در رست‌های صفا نزدیک امیر بایستادند با جامه‌های فاخرتر و کلاه‌های دوشاخ و کمرهای بزر و عمودهای زرین. و چند تن آن بودند که با کمرها بودند مرصع به جواهر و سپری پنجاه و شصت به در بادشتند در میان

۱. به معنی تیردان است، یعنی جایی که در آن تیر گذارند و آن را ترکش و کیش نیز گویند و به عربی جعبه خوانند (دهخدا، ۱۳۷۲).
۲. و آن جایی باشد که کمان را در آن گذارند و بر کمر بندند (دهخدا، ۱۳۷۲).
۳. گروهی از پیادگان بوده اند که از هر ولایتی آمده بودند و ایشان را سپاهسالاری باشد جداگانه که تیمار ایشان دارد (ناصرخسرو، ۱۳۶۶، ص. ۵۹).
۴. کلاه دوشاخ؛ نوعی کلاه که قسمت فوقانی آن دوشقه داشت و رجال دربار مخصوصاً در عصر غزنویان و دوره قاجاریه بر سر می‌نهادند؛ با قبای سیاه و کلاه دوشاخ پیش آمد (بیهقی، ۱۳۶۲، ص. ۴۶). امیر (رض) بر تخت نشست و سالاران و حجاب با کلاه‌های دوشاخ (بیهقی، ۱۳۶۲، ص. ۳۷۸).
۵. نقره سازی.



تصویر ۵. نگاره به جای مانده از دوران غزنویان روی دیوارهای کاخ لشکری بازار

(Figures in the Wall Paintings from one of the Ghaznavid Palaces at Laškari Bāzār in Central Afghanistan, Probably Built by Masud I (1030-41), n.d.)

Figure 5. Surviving Mural from the Ghaznavid Period on the Walls of the Lashkari Bazar Palace Ghaznavid (Figures in the Wall Paintings from one of the Ghaznavid Palaces at Laškari Bāzār in Central Afghanistan, Probably Built by Masud I (1030-41), n.d.)

منزل، ظروف فلزی، جنگافزارها، ملزومات چارپایان، ابزارآلات و ... مهم‌ترین مواردی است که می‌توان بدان اشاره نمود. در نقل‌قولی از کتاب تاریخ بیهقی محله آهنگران را در غزنین ذکر می‌نماید: «و امیر سعید را خلعتی فاخر راست کرده بودند، بپوشید و پیش آمد و سلطان او را بنواخت و مثال داد تا به غزنین مقام کند به کوشک خواجه بزرگ ابوالعباس اسفراینی به دیه آهنگران» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۶۵۸). زرگر به معنی کسی که با زر کار کند و از آن آلت زرین سازد. صاحبان این پیشه نیز در فرم دهی، ایجاد طرح و نقش و گوهر نشان نمودن و ... تولیدات خود می‌بایست با دقایق هنرهای کاربردی آشنا بوده و حتی برخی از فنون این نوع پیشه‌ها می‌توانست اساس بسیاری از هنرهای کاربردی دیگر نیز باشد. «امیر، رضی‌الله‌عنه، به جشن مهرگان بنشست، نخست در صفحه سرای نو در پیشگاه و هنوز تخت زرین و تاج و مجلس خانه راست نشده بود، که آن را زرگران در قلعت راست می‌کردند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۶۵۵) (نمودار ۱۲ (تصویر ۶).

بلخ - سرایی دیدم چون بهشت آراسته و تجملی عظیم، که مروتش و همتش تمام بود و...» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۱۷۸). طبق نقل‌قول‌های بجای مانده، گوهر فروشان نیز بازار و پیشه مخصوص به خود را داشته که این نوع تولید در کنار ارزش مادی، به دلیل قرابتی که با دقایق هنرهای کاربردی داشته، به این حوزه بسیار نزدیک است. این موضوع در ماجرای درخواست پادشاه از گوهر فروشان و اصناف وابسته در شهر بغداد، جهت ساخت جواهرات ارزشمند قابل‌احصا است: «و یحیی کس فرستاد و ده تن از گوهر فروشان بغداد را بخواند که توانگرتر بودند و گفت: خلیفه را بسی بار هزار درم جواهر می‌باید هرچه نادرتر و قیمتی‌تر» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۴۱). گوهر فروشان بازگشتند و دیگر روز با سقط‌های جواهر به درگاه آمدند (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۱).

«و یحیی بازگشت و دیگر روز گوهر فروشان بیامدند و سفت‌ها فرمود تا بدیشان باز دادند به قفل و مهر و بیع اقالت کردند و خط باز ستدند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۴۲). البته در ماجرای غارت از بازارها، معمولاً بازار گوهر فروشان نیز هدف قابل‌توجهی برای لشکریان محسوب می‌گشته است: «کوی و لشکر از بامداد تا نماز دیگر بیش مقام نتوانست کرد که خطر بود و بازار برآزان و عطاران و گوهر فروشان از این سه بازار ممکن نشد بیش غارت کردن. لشکر توانگر شد، چنانکه همه زر و سیم و عطر و جواهر یافتند و به مراد بازگشتند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۱۶). حصیربافی و زنبیل‌بافی با توجه به کاربرد بسیار زیاد آن در دوره مذکور نیز خود دارای بازاری مجزا بوده که گویا هم تولید و هم دادوستد، در این بازارها نیز در جریان بوده است. طبق نقل‌قول احصا شده از تاریخ بیهقی یکی از این بازارها در بلخ بوده است. «... و دیگر نیز حسنک نخواست که وی را به مجلس سلطان رساند، که در دل کرده بود و با بو صادق به نشابور گفته بود که مدرسه‌ای خواهد کرد سخت به تکلف به سر کوی زنبیل‌بافان تا وی را آنجا بنشانده آید تدریس را» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۲۶۵) «و رسول را با کرامتی بزرگ در شهر آوردند روز آدینه هشت روز مانده از ذوالحجه و به کوی سبذبافان فرود آوردند به سرای نیکو و آراسته و در وقت بسیار خوردنی با تکلف بردند...» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۳۸۰). آهنگری در دوره موردنظر طیف وسیعی از پیشه‌های مؤثر در حوزه‌های مختلف در راستای رفع نیاز مخاطبین این دوران را پوشش می‌داده است. اسباب‌آثا



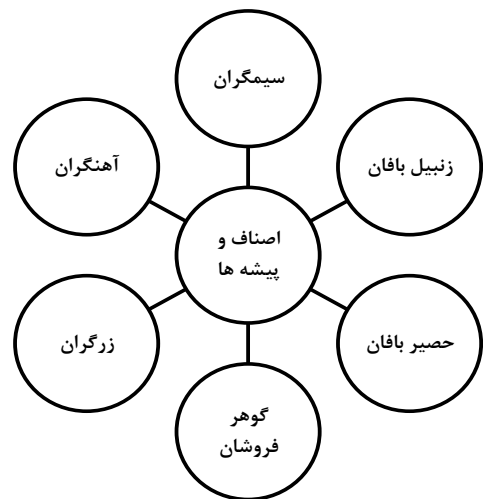
تصویر ۶. سکه‌های سلطان محمود غزنوی (سکه‌های سلطان محمود غزنوی، بی‌تا)
Figure 6. Coins of Sultan Mahmud of Ghazni (Coins of Sultan Mahmud of Ghazni, n.d.)

به فرض استفاده‌ی از ظروف مشابه، واژگان مذکور دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. و امیر پس از رفتن ایشان عبدالرزاق را گفت «چه گویی؟ شرابی چند پیلپا بخوریم» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۸۹۱). در حال با عنایت به محدود بودن اطلاعات پیرامونی محققین در خصوص اشیای کاربردی در حوزه هنرهای کاربردی در طول تاریخ، این اطلاعات می‌تواند منبع مناسبی در خصوص جست‌وجو، بررسی و طبقه‌بندی برخی از تولیدات مذکور را داشته باشد. «گفت: دستوری دادم،

۸. لیست هنرهای کاربردی در اسباب و اثاثیه منزل در نقل‌قول‌های مطرح‌شده در کتاب تاریخ بیهقی، اشارات متعددی به اسباب و اثاثیه منزل نیز می‌گردد. در این بخش انواع وسایل کاربردی از ظروف متنوع و مختلف تا منسوجات و ... را می‌توان رصد نمود. در میان این وسایل بسیاری از تولیدات به جهت کاربرد خاص آن شاید در دوران معاصر کمتر مورد استفاده قرار بگیرند. از طرفی برخی واژگان موردنظر در این بخش مانند پیلپا، ساتلین و ... مهجور مانده و



تصویر ۷. جام نیشابور متعلق به دوران غزنویان.
(Carafe Iran, n.d.)
Figure 7. Nishapur Cup, Ghaznavid Period
(Carafe Iran, n.d.)



نمودار ۱۲. اصناف و پیشه‌ها
Diagram 12. Guilds and Professions



تصویر ۸. کاسه سفالی لعاب‌دار، گرگان، صدر اسلام
(کاسه سفالی لعاب‌دار، بی‌تا)
Glazed Ceramic Bowl, Gorgan, Early Islam Period (Glazed Ceramic Bowl, n.d.)

۱. قدح بزرگ.
۲. کاسه که دو کس را سیر گرداند،
کاسه بزرگ (دهخدا، ۱۳۷۲).
۳. کوزه که لوله اش پهلوی گردن آن
باشد (دهخدا، ۱۳۷۲).
۴. قسمی شیشه شکم فراخ بزرگتر
از برنی. آوند شیشه بزرگی که در
آن شراب و جز آن ریزند (دهخدا،
۱۳۷۲).

۵. ظرف مدور پخ و بزرگ از چوب
که ظروف یا اشیای دیگری بر وی
نهند

۶. گلوله ای به شکل گوی مرکب از
خوشبوها که در دست گرفته می
بویند (دهخدا، ۱۳۷۲).

۷. پرده بزرگی را گویند مانند شامیانه
و سرپرده که پیش در خانه و ایوان
ملوک و سلاطین بکشند (برهان،
۱۳۴۲؛ جمال‌الدین انجو، ۱۳۵۱).

۸. نواج که عامه آنرا نواج می نامند،
فارسی معرب است (جوالیقی، ۱۴۰۲،
ص. ۴۷).

۹. طبق بزرگی را گویند که از چوب
ساخته باشند چه طبق کوچک را
خوانچه گویند (دهخدا، ۱۳۷۲).

۱۰. ظاهراً مجلس خانه چیزی مثل
خوانچه یا میز بوده است. [در حاشیه
تاریخ بیهقی (بیهقی، ۱۳۷۱، ص.
۵۴۰)] تخت زرین و بساط و مجلس
خانه که امیر فرموده بود... راست
شده بود. (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۲۹).

۱۱. روبند زنان عرب و فارسیان
بمعنی مطلق روبند بکار برند (دهخدا،
۱۳۷۲).

۱۲. زین و برگ اسب که از جنس
طلا باشد و استفاده از آن منحصر
به افرادی میشده که از طرف حکام
یا امیران وقت مجوز داشتند یا حتی
در مواقعی از طرف حکام به افراد
خاصی هدیه می شد.

۱۳. مرکبی زنان را مانند هودج لیکن
قبه ندارد (دهخدا، ۱۳۷۲).

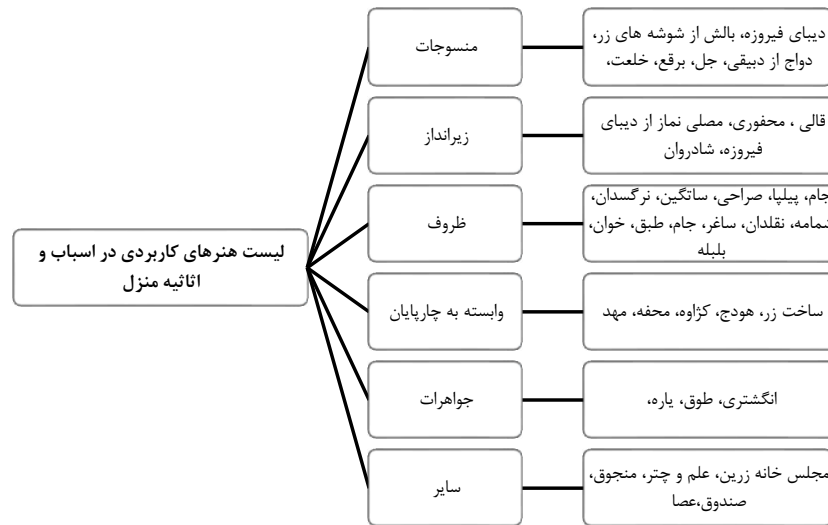
۱۴. ابریشمینه نازک. پارچه بسیار
نازک و خوب. جامه و پارچه از حریر
منسوب به دبب

۱۵. پادشاهانه. شاهانه. درخور
شاهان. شایسته پادشاه.

چهار بالش از شوشه زر بافته» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص.
۷۱۳)، نرگسدان، مجلس خانه، نقلدان و خوان^۱ «پس از
آن بازگشتن ایشان امیر فرمود دو مجلس خانه^۲ زرین
با صراحی‌های پر شراب و نقلدان‌ها و نرگسدان‌ها
راست کردند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۲۸۹)، طوق، جل،
برقع^۳ زر برفت و ابریشمین «و هشت بجل و برقع زر برفت
و گذر رسول بیاراسته بودند نیکو» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص.
۵۲). ساخت زر «و کدخدای را ساخت زر و شمشیر
حمایل؛ و خلعت بپوشید» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۵۵). و
صندوق^۴، خلعت «رسول صندوق‌های خلعت بخواست،
پیش آوردند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۴۷۴). هودج و کژاوه،
محفه و مهد «خود را از هوش ببرد و به محفه^۵ او را
به خانه ببرند و صدقات و قربانی روان شد» (بیهقی،
۱۳۷۱، ص. ۴۵۶)، تنبور، رود، «و امیر و همه اعیان لشکر
او را دوست داشتندی و تنبور زدی» (بیهقی، ۱۳۷۱،
ص. ۵۸۵). انگشتری «امیر مسعود انگشتری پیروزه،
بر آن نگین، نام امیر بر آنجا نبشته، به دست خواجه
داد» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۱۹۱) و... حاصل استخراج
بخشی از لغات وابسته در این دسته‌بندی است. در این
بخش نیز بمانند متون گذشته، تولیدات با همراه کردن
ترکیب‌های وصفی همراه است: «دبب‌های^۶ بغدادی
به‌غایت نادر ملکانه» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۲) (تصویر
۷). نویسنده مذکور، به سبب اهمیت و ذی‌قیمت بودن
این اثاثیه در پایان با عبارت به‌غایت نادر ملکانه^۷ مهر
تأییدی بر ارزشمند بودن آن‌ها می‌زند (نمودار ۱۳)
(تصویر ۸).

بباید نمود. هر دو خواجه خدمت کردند. و ساتگینی^۱
آوردند و نشاط تمام رفت و آن شراب خوردن به
پایان آمد» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۴۳۵). در بخش عمده‌ای
از ظروف مورد اشاره، ظروف شرابخوری مثل
ساغر، جام، پیلپا، ساتگین و صراحی قابل‌مشاهده
بوده که این خود ناظر بر فرهنگ غالب حاکمان غزنوی
است. «و شراب روان شد به بسیار قدح‌ها^۲ و بلبله‌ها^۳ و
ساتگین‌ها و مطربان زدن گرفتند و روزی بود چنان‌که
چنین پادشاه پیش گیرد» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۶۵۶).
استفاده از مواد اولیه متنوع در ساخت و تولید و
تزیین ظروف مورد استفاده - از شیشه گرفته تا سفال
و چینی و فلزات گران‌بها و متنوع - نشانگر خلاقیت و
بلوغ هنرهای کاربردی در بین هنرمندان این رشته در
این دوران است «از میدان به باغ رفت و ساتگین‌ها و
قرابه‌ها^۴ تا پنجاه در میان سراپچه بنهادند و ساتگین
روان ساختند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۸۹۱).

تولیداتی چون طبق، شمامه «و گرد بر گرد آن ...
طبق^۵ زرین نهاده همه پر عنبر و شمامه‌های^۶ کافور»
(بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۱۰)، شادروان، محفوری، قالی
«و سیصد شادروان^۷ و دویست خانه قالی و دویست
خانه محفوری» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۲۸)، مصلا نماز از
دیبای فیروزه «مصلائی نماز افکنده بودند نزدیک صدر
وی از دیبای پیروزه و دو رکعت نماز بکرد» (بیهقی،
۱۳۷۱، ص. ۱۹۳). دواج^۸، دواج^۹ از دبب‌های ملکانه «و هفت
دواج بیرون گرفتند» (بیهقی، ۱۳۷۱، ص. ۵۲). جام، پیلپا،
ساتگین، صراحی، تخت، بالش از شوشه‌های زر «و



نمودار ۱۳. لیست هنرهای کاربردی در اسباب و اثاثیه منزل
Diagram 13. List of Applied Arts in Household Furnishings

نتیجه

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد کتاب تاریخ بیهقی، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردش، قابلیت استخراج نکات قابل توجهی را از زوایای آشکار و پنهان هنرهای کاربردی داراست. این کتاب صرفاً بر نقل رویدادها، حوادث و احوال ملوک تمرکز نکرده، بلکه پرداختن به جزئیات جانبی و انعکاس دقیق صحنه‌های پیرامونی، تاریخ بیهقی را به منبعی ارزشمند برای شناخت تولیدات فرهنگی و هنری غزنویان تبدیل کرده است. از این رو، دسته‌بندی قابل‌تأملی از هنرهای کاربردی آن دوران در این کتاب قابل‌مشاهده است. در پاسخ به سؤال نخست، هرچند بیهقی در کتاب خود بیشتر به رویدادهای رسمی و دولتی پرداخته است، اما به واسطه تنوع مشاهدات و ذکر جزئیاتی چون فهرست هدایا، مراکز تولید، شرح تزیینات ابنیه، صورت وضعیت اموال، ملزومات منازل، ذکر غنائم جنگی و ... می‌توان اطلاعات قابل‌توجهی از تولیدات هنری آن دوران به دست آورد. بر این اساس، در حوزه هنرهای کاربردی دوران غزنوی می‌توان به دسته‌بندی‌هایی از محصولات دست یافت که عبارت‌اند از: انواع پوشاک پر نقش و نگار، انواع منسوجات ظریف و منقش، انواع ظروف کاربردی و تزیینی از جنس شیشه، فلز و سفال، جواهرات زرین و سیمین و ... پرکار، ملزومات پرکار و پر تزیینات چارپایان، جنگ‌افزارهای متنوع و اغلب زینتی، ملزومات شخصی پادشاه مانند تخت و تاج با طرح و نقش بسیار نادر، زیراندازهای متنوع ذی‌قیمت و موارد مشابه. در پاسخ به سؤال دوم نیز می‌توان گفت سنجش مقولات کمی و کیفی تولیدات استحصال‌شده در عرصه هنرهای کاربردی، پس از شناسایی دقیق قابلیت کتاب تاریخی موردنظر، تکرر وقوع واژگان، بررسی قابلیت‌های داده‌ها، طبقه‌بندی واژگان مربوطه، بر اساس الگویی از پیش تعیین‌شده، می‌توان به تحلیل داده‌ها پرداخت. طبق الگوی طبقه‌بندی نظام‌مند، روش ارزش‌گذاری تولیدات، ترکیب‌های وصفی، تحلیل مفهومی متون باهدف میزان ارزشمندی تولیدات هنری و فرضیه همجواری واژگان در این طبقه‌بندی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی، نقش مؤثری ایفا می‌کند. در روش ارزش‌گذاری کالا به صورت تصریحی و تشریحی، ارزش برخی تولیدات به‌طور واضح مشخص شده و در برخی موارد، با کمی

اغراق بر نادر بودن آنها تأکید شده است. از سوی دیگر، در ترکیبات وصفی، استفاده از صفات بیانی و تفضیلی همچون خوب‌ترین، سخت نیکو، بی‌اندازه، باریک‌تر و خیاره‌تر علاوه بر نشان دادن کیفیت کلی، به توصیف مواد اولیه و ویژگی‌های بصری تولیدات نیز یاری می‌رساند. در همجواری واژگان هم‌ارز و حتی غیر هم‌ارز، چینش محصولاتی که در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند، با توجه به ارزش ذاتی هر یک از آنها، می‌تواند در سنجش کیفی و کمی آن تولیدات تا حد قابل‌اعتنایی مؤثر باشد.

تقدیر و تشکر

مقاله حاضر، حاصل یک پژوهش مستقل است که توسط نویسنده به انجام رسیده و مورد حمایت هیچ سازمان یا نهادی نبوده است.

تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌دارد که در خصوص انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی، از جمله سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر و همچنین، سیاست مجله در قبال استفاده از هوش مصنوعی از سوی نویسنده رعایت شده است.

منابع و مأخذ

اشعاری، م. (۱۳۹۹). بازسازی تاریخ و جغرافیای هنرهای کاربردی ایران بر اساس منابع مکتوب در سده‌های نخستین هجری با تکیه بر فرش دستباف. نگره، ۵(۵۳)، ۲۳-۵.

<https://doi.org/10.22070/negareh.2020.1168>

اشعاری، م. (۱۴۰۴). تاریخ‌نگاری هنرهای کاربردی ایران بر اساس منابع مکمل. نگره، ۲۰(۷۵)، ۱۷۰-۱۹۳.

<https://doi.org/10.22070/negareh.2024.18871.3347>

برهان، م. خ (۱۳۴۲). برهان قاطع (م معین، مصحح؛ ع. الف. دهخدا، الف. پورداود، ع. الف. حکمت، و س. نفیسی، مقدمه نویسان). تهران: ابن سینا.

<https://noorlib.ir/book/info/110756>

بیهقی، الف. (۱۲۶۹ ه.ش. / ۱۳۰۷ ه.ق.). تاریخ بیهقی [چاپ سنگی] (م. ح. گلپایگانی، کاتب؛ م. ح. اصفهانی، دیباچه نویس؛ الف. ادیب نیشابوری، مصحح). طهران: دارالطباعة میرزا حبیب الله.

<https://noorlib.ir/book/info/155488>

بیهقی، الف. (۱۳۷۱). تاریخ بیهقی (ا. فیاض، مصحح). دنیای کتاب.

<https://fa.wikinoor.ir/wiki/Beyhagi>

پارچه ابریشمی دو رو دوپودی [ری، صدر اسلام]. (بی تا). موزه ملی ایران.

جمال‌الدین انجو، ح. (۱۳۵۱). فرهنگ جهانگیری (ر. عقیقی، ویراستار). دانشگاه فردوسی مشهد.

<https://fa.wikinoor.ir/Jahangiri>

جوالیقی، م. الف. (۱۴۰۱). فرهنگ واژه‌های عربی شده از زبان‌های غیر عربی به روش الفبایی: بر گردان از المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم | تالیف ابومنصور الجوالیقی موهوب بن احمد بن محمد بن الخضر



(س. ح. طیبیان، مترجم؛ الف. ح. قانع، ویراستار). امیرکبیر.

<https://fa.wikinoor.ir/wiki/1401>. [عربی]

حدودالعالم من المشرق الى المغرب. (۱۳۶۲). (م. ستوده، ویراستار؛ ویرایش ۲). طهوری.

<https://fa.wikinoor.ir/wiki/Hudud>

خمره سفالی زرین فام [گرگان، صدر اسلام]. (بی تا). موزه ملی ایران.

دهخدا، ع. (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا (م. معین، و ج. شهیدی، نظارت کنندگان). دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.

<https://fa.wikinoor.ir/DehkhodaDictionary>

رشیدالدین فضل‌الله. (۷۱۴ ق. / ۱۳۱۴ م.). جامع‌التواریخ [مجموعه تواریخ، نسخه خطی مصور فارسی]. کتابخانه دانشگاه ادینبرو، مجموعه‌های میراثی، نسخه‌های خطی جهان اسلام و آسیای جنوبی. شماره نسخه خطی: ۲۰.

https://archives.collections.ed.ac.uk/repositories/2/archival_objects/145535

ساسان پور، ش. (۱۳۹۳). کاربری های باغ های عصر غزنوی با تکیه بر تاریخ بیهقی. پژوهشنامه تاریخ، ۹(۳۴)، ۲۸-۱.

<https://www.noormags.ir/1491837>

سبزعلیپور، ج. و عاشوری شهرستانی، ح. (۱۳۹۷). پوشاک، فرهنگ و کارکردهای آن در تاریخ بیهقی. مجله مطالعات ایرانی، ۱۷(۳۴)، ۱۰۹-۱۳۵.

<https://doi.org/10.22103/jis.2018.10783.1758>

سکه‌های سلطان محمود غزنوی. (بی تا). کتابخانه و موزه ملک.

صفی پور، ع. ع. (۱۲۵۲ ه. ق. / ۱۸۳۶ م.). منتهی الارب فی لغات العرب [نسخه خطی]. محل نگهداری: کتابخانه مرعشی، قم، ایران.

<https://marashilibrary.com/manuscript/1836>

قدح سفالی [نیشابور، صدر اسلام]. (بی تا). موزه ملی ایران.

کاسه سفالی لعابدان [گرگان، صدر اسلام]. (بی تا). موزه ملی ایران.

معظمی گودرزی، م. (۱۴۰۰). آداب و رسوم و ویژگی های اجتماعی و فرهنگی در تاریخ بیهقی. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۴(۴۰)، ۱۴۳-۱۵۵.

<https://jonahs.ir/showpaper/5541945>

ناصر خسرو، الف. (۱۳۶۶). سفرنامه ناصر خسرو (م. غنی‌زاده سلماسی، مصحح). انتشارات محمودی.

<https://digibookshahr.com/product>

ناصری، م. (۱۴۰۱). تاملی بر گستره معنا و مصادیق جامه در تاریخ بیهقی. نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ۱۵(۳۵)، ۱۰۵-۱۲۵.

<https://doi.org/10.30480/vaa.2021.3760.1630>

Reference

- Al-Jawaliqi, M. A. (2022). *A Dictionary of Arabic Words Borrowed from Non-Arabic Languages in Alphabetical Order: Translation of Al-Mu'arrab min al-Kalam al-A'jami 'Ala Huruf al-Mu'jam* (S. H. Tabibiyani, Trans.; A. H. Ghane', Ed.). Amir Kabir. <https://fa.wikinoor.ir/wiki/1401> [In Arabic].
- Ashari, M. (2020). Reconstruction of the history and geography of Iranian applied arts based on written sources in the First centuries of Hegira by relying on handmade carpet. *Negareh Journal*, 15(53), 5-23. <https://doi.org/10.22070/negareh.2020.1168> [In Persian].
- Ashari, M. (2025). Historiography of applied arts of Iran based on supplementary sources. *Negareh Journal*, 20(75), 170-193. <https://doi.org/10.22070/negareh.2024.18871.3347> [In Persian].
- Bayhaqi, A. (1891 CE.). *Tarikh-e Bayhaqi* [Lithograph] (M. H. Golpayegani, Scribe; M. H. Esfahani, Preface writer; A. Adib Neyshaburi, Editor). Dar al-Taba'eh-ye Mirza Habib Allah. <https://noorlib.ir/book/info/155488> [In Persian].
- Bayhaqi, A. (1992). *Tārīkh-i Bayhaqī* (A. Fayyād, Ed.). Duniyā-yi Kitāb. <https://fa.wikinoor.ir/wiki/Beyhagi> [In Persian].
- Borhan, M. Kh. (1963). *Burhan-e Qati'* (M. Mo'in, Ed.; A. A. Dekhoda, A. Pourdavoud, A. A. Hekmat, & S. Nafisi, Preface writers). Ibn Sina. <https://noorlib.ir/book/info/110756> [In Persian].
- Carafe Iran [Image of carafe has been found in Nishapur (Neyshabur), kept in New York museum]. (n.d.). Wikimedia Commons. https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Carafe_Iran.JPG#metadata
- Ceramic Bowl [Nishapur, Early Islamic Period]. (n.d.). National Museum of Iran. [In Persian].
- Coins of Sultan Mahmud of Ghazni (n.d.). Malek National Library and Museum, Tehran, Iran. [In Persian].
- Dehkhodā, 'A. (1993). *Loghatnāmehe Dehkhodā* [Dehkhoda Dictionary] (M. Mo'in & J. Shahīdī, Supervisors). University of Tehran Press. <https://fa.wikinoor.ir/DehkhodaDictionary> [In Persian].
- DoubleFaced, DoubleWeft Silk Textile [Rey, Early Islamic Period]. (n.d.). National Museum of Iran. [In Persian].
- Ghaznavid Figures in the Wall Paintings from one of the Ghaznavid Palaces at Laškārī Bāzār in Central Afghanistan, Probably Built by Masud I (1030-41). (n.d.). Wikimedia Commons. <https://commons.wikimedia.org/1030-41>



- Glazed Ceramic Bowl [Gorgan, Early Islamic Period]. National Museum of Iran. **[In Persian]**.
- Hudud al-Alam min al-Mashriq ila al-Maghrib*. (1983). (M. Sotoudeh, Ed.; 2nd ed.). Tahouri. <https://fa.wikinoor.ir/wiki/Hudud> **[In Persian]**.
- Jamal al-Din Anjū, J. D. Ḥ. Ḥ. (1972). *Farhange Jahāngīrī* [Jahangiri dictionary] (R. 'Afifī, Ed.). Ferdowsi University of Mashhad. <https://fa.wikinoor.ir/Jahangiri> **[In Persian]**.
- Lusterware Ceramic Jar [Gorgan, Early Islamic Period]. (n.d.). National Museum of Iran. **[In Persian]**.
- Moazami Goodarzi, M. (2021). Customs and social and cultural characteristics in Tarikh-e Bayhaqi. *New Achievements in Humanities Studies*, 4(40), 143-155. <https://jonahs.ir/showpaper/5541945> **[In Persian]**.
- Naseri, M., & Saadeqi, Z. (2022). A study on the realm of meanings and examples of Jama in Tarikh-i Bayhaqi. *Journal of Visual and Applied Arts*, 15(35), 105-125. <https://doi.org/10.30480/vaa.2021.3760.1630> **[In Persian]**.
- Nasir Khusraw, A. (1987). *Safarnāmah-i Nāsir Khusraw* [Nasir Khusraw's Travelogue] (M. Ghanizadeh Salmasi, Ed.). Mahmudī Publications. <https://digibookshahr.com/product> **[In Persian]**.
- RashīdalDīn FaḡlAllāh. (1314 CE). *Jāmi 'al-Tawārīkh* [Compendium of Chronicles, Illuminated Persian manuscript]. University of Edinburgh Library, Heritage Collections, Manuscripts of the Islamicate World and South Asia. Manuscript No: 20. https://archives.collections.ed.ac.uk/repositories/2/archival_objects/145535 **[In Persian]**.
- Sabzalipour, J., & Ashuri Shahrestani, H. (2019). Clothes in Tarikh-E Beyhaghi and its functions. *Journal of Iranian Studies*, 17(34), 109-135. <https://doi.org/10.22103/jis.2018.10783.1758> **[In Persian]**.
- Safi-pur, A. A. (1836 CE). *Montaha al-Arab fi Lughat al-Arab* [Manuscript]. Marashi Najafi Library. <https://marashilibrary.com/manuscript/1836> **[In Persian]**.
- Sasanpour, S. (2014). Functions of Gardens in the Ghaznavid Period with Emphasis on Tarikh-e Bayhaqi. *Pazhoheshnameh-ye Tarikh* [Historical Research Journal], 9(34), 1-28. <https://www.noormags.ir/1491837> **[In Persian]**.